

پلنوم جبهه ملی ایران

دوم آبانماه ۱۳۸۲

پلنوم اللهیار صالح



گزارشی از پلنوم جبهه ملی ایران در روز دوم آبانماه ۱۳۸۲ (پلنوم الهیار صالح)

موضوع برپائی یک پلنوم بمنظور به روز درآوردن منشور و اساسنامه جبهه ملی و همچنین انتخاب اعضای شورای مرکزی از سال ۱۳۸۰ در دستور کار شورای مرکزی جبهه ملی ایران قرار گرفت . در ابتدا شورا کمیونی متشکل از دوازده نفر از اعضاء خود را مامور تهیه آئین نامه اجرائی پلنوم نمود. این کمیون پس از تشکیل چندین اجلاس آئین نامه برگزاری پلنوم را تهیه و جهت تصویب به شورای مرکزی ارائه کرد . آئین نامه مذکور پس از در نظر گرفتن ملاحظات و نظرات سایر اعضاء شورای مرکزی در اواخر سال ۸۰ به تصویب نهائی رسید و بر طبق آئین نامه قرار شد پلنوم تحت نام « پلنوم الهیار صالح » شخصیت برجسته و فقید جبهه ملی ایران تشکیل گردد . بموجب آئین نامه اعضاء شرکت کننده در پلنوم باید از چهار گروه زیر تشکیل میشدند :

۱- اعضاء شورای مرکزی

۲- نمایندگان منتخب سازمانهای جبهه ملی در تهران

۳- نمایندگان منتخب سازمانهای جبهه ملی در شهرستانها

۴- نمایندگان احزاب وابسته به جبهه ملی

جهت انجام انتخابات در سازمانهای جبهه ملی در تهران یک هیئت نظارت متشکل از آقایان حسین راضی، دکتر خسرو سعیدی و حسین شاه حسینی توسط شورای مرکزی تعیین گردید و کار انتخاب نمایندگان سازمانها از تاریخ ۸۱/۵/۳ در تهران آغاز گردید به سازمانهای شهرستانها نیز ابلاغ شد تا نمایندگان خود را جهت شرکت در پلنوم انتخاب و به دکتر سید حسین موسویان مسئول تشکیلات و رئیس هیئت اجرائیه معرفی نمایند همچنین از احزاب وابسته به جبهه ملی خواسته شد تا نمایندگان خود را تعیین و معرفی کنند با این ترتیب اعضاء تشکیل دهنده پلنوم در هر چهار گروه فوق الذکر بصورت زیر مشخص گردیدند .

۱- گروه اول - اعضاء شورای مرکزی جبهه ملی ایران متشکل از عبدالعلی ادیب برومند- دکتر مه لقا اردلان- بانو فرشید افشار- مهندس عباس امیرانتظام- مهندس مرتضی بدیعی- دکتر داود هرمیداس باوند- دکتر مسعود حجازی- مهندس اسماعیل حاج قاسمعلی- حسن خرمشاهی- غلامحسین خیر- دکتر پرویز دبیری- دکترعلی رشیدی- غلامرضا رحیم- حسین

راضی - مهندس کورش زعیب - دکتر خسرو سعیدی - حسن شهیدی - جواد شرف الدین - حسین شاه حسینی - دکتر عباسعلی صحافیان - محمدرضا عالم زاده - دکتر سعید فاطمی - ناصر فرید - دکتر باقر قدیری اصلی - دکتر رضا قاضی مقدم - حسن لباسچی - ابوالفضل میرشمس شهبهانی - دکتر سید حسین موسویان - مهندس نظام الدین موحد - هرمز ممیزی - دکتر مهدی مؤید زاده - منوچهر ملک قاسمی - سید جواد مادرشاهی - حسن میرمحمد صادقی - مهندس علی اکبر نوشین - دکتر پرویز ورجاوند

۲- گروه دوم - نمایندگان سازمانهای جبهه ملی در تهران

نمایندگان سازمان پزشکان : دکتر جهانشاه برومند - دکتر احمد بهنیا - دکتر نصرالله جمشیدی - دکتر منوچهر سماک

نمایندگان سازمان مهندسين : مهندس هوشنگ خیراندیش - مهندس محمود زندیان - مهندس محسن مقدس زاده - مهندس حبیب یکتا

نمایندگان سازمان کارمندان : مصطفی آجودانی - جمال درودی - یوسف صفی - رامین غنچه ای - سید محمد مدنی - ابوالفضل نیماوری

نمایندگان سازمان جوانان و دانشجویان : فرهاد بیشه ای - علیرضا خیاط زاده - داریوش نیماوری

نمایندگان سازمان زنان : فریبا درودی - پریچهر مبشری

نمایندگان سازمان اصناف : عباسعلی شهبسوار - علی شجاع

نماینده سازمان وکلا و حقوقدانان : فرهاد امیر ابراهیمی

نمایندگان سازمان فرهنگیان : عبدالله ازدوجینی - محمد خوش طینت - مصطفی روحانی

نمایندگان سازمان محلات : محمود سیف - علی اصغر فنی پور - محمد ابراهیم منتصری

نمایندگان سازمان جوانان و فارغ التحصیلان : دکتر افشین جعفرزاده - دکتر علی حاج قاسمعلی مهندس آرش رحمانی - مهندس حسین عزت زاده - دکتر حسین مجتهدی - مهندس علی هنری

نمایندگان سازمان نویسندگان و شعرا : محمد بهمنی قاجار - عیسی خان حاتمی - دکتر محسن فرشاد

نمایندگان سازمان پژوهشگران : دکتر حسین اعرابی - منصور فرومند - دکتر علی اکبرنقی پور

نمایندگان سازمان روزنامه نگاران : علیرضا افشاری - حسن قدیانی

۳- گروه سوم - نمایندگان سازمانهای جبهه ملی در شهرستانها

نماینده همدان : ناصر مغازه ای

نمایندگان آذربایجان : دکتر منصور اشرفی - دکتر محمد حریری - محمد حسین خیاط

خامنه‌ای - دکتر شاهپور شاهگلی - دکتر اسماعیل عجمی

نمایندگان اصفهان : دکتر محمدعلی خزائی - شاهین سپنتا - احمد شهناصری - نعمت الله

میرعظیمی - امیر مسعود موگوئی

نمایندگان مشهد : محمد سیاسی - اکبر صفویه - سید حسن قوام شهیدی - دکترعلی

اصغرمینو - عباس همایونی

نمایندگان قزوین : مهندس میترا آبتین - مهندس اشکان رضوی

نمایندگان اهواز : احمد عبدالحسینیان - رامین ناصح

نماینده کرج : فرهاد اعرابی

نمایندگان رشت : فریدون ملک فرنود - فریدون نوزاد

نماینده دره گز : مصطفی قاسمی

نماینده کرمانشاه : فرزاد سلطانی

نمایندگان اسفراین : محمد حاتمی - سید غیاث الدین ناصرالسعداتی

۴- گروه چهارم نمایندگان احزاب

نمایندگان حزب ایران : مهندس حسن ایزدی - حسین بهاور - دکتر منوچهر رفیعی

نمایندگان حزب مردم ایران : ذبیح الله پورفر - رحیم ترابی نژاد - ضیاء مصباح

انجام انتخابات در سازمانهای تهران و شهرستانها و مشخص شدن افراد تشکیل دهنده پلنوم و صدور اعتبارنامه و ارسال برای آنان تا آخر سال ۸۱ به انجام رسید و قرار شد پلنوم در سال ۸۲ و در سالروز تاسیس جبهه ملی ایران تشکیل شود و چون جبهه ملی ایران در روز اول آبانماه ۱۳۲۸ به رهبری دکتر محمد مصدق تاسیس گردیده تصمیم گرفته شد پلنوم جبهه ملی در روز جمعه دوم آبانماه ۸۲ در پنجاه و چهارمین سال تاسیس آن برگزار شود. محل برگزاری اجلاس پلنوم منزل مهندس نظام الدین موحد عضو هیئت رهبری جبهه ملی و دبیر کل حزب ایران واقع در خیابان پاسداران خیابان بهستان پنجم تعیین گردید. لازم به ذکر است که در روز اجلاس پلنوم کلیه افراد چهار گروه فوق الذکر نتوانستند در پلنوم حضور یابند مثلا از گروه اول یعنی اعضاء شورای مرکزی آقایان دکتر مسعود حجازی و دکتر رضا قاضی مقدم بعلت بیماری و آقایان دکتر سعید فاطمی، حسن لباسچی، ابوالفضل میر شمس شهبهانی و مهندس علی اکبر نوشین بعلت مسافرت به خارج از کشور نتوانستند در پلنوم

شرکت نمایند و شبیه همین موارد در سه گروه بعدی نیز وجود داشت و در چند مورد نیز افراد جایگزین به وکالت از طرف برخی از افراد لیست شرکت کننده در پلنوم در جلسه حضور یافتند .

اجلاس پلنوم در ساعت ۹ صبح با حضور ۸۱ نفر از اعضاء بر طبق برنامه تنظیم شده شروع به کار کرد ابتدا همه حاضران بر پا ایستاده و سرود «ای ایران» را بطور دسته جمعی خواندند سپس آقای ادیب برومند رئیس شورای مرکزی در پشت تریبون قرار گرفته با بیانات زیر جلسه پلنوم رارسما افتتاح نمود . بیانات ایشان به شرح زیر است :

از خانمها و آقایان که باین مجمع سرنوشت ساز تشریف آوردند تشکر میکنم و تقاضا می کنم که با متانت هر چه بیشتر، بردباری و صبوری این امروز را که یک روز تاریخی برای جبهه ملی است به بهترین نحو برگزار فرمایید تا نتایج رضایت بخشی حاصل بشود. قبل از اینکه جلسه شروع بشود آقای مهندس موحد عضو هیئت رئیسه سنی تشریف بیاورند و دو نفر هم به انتخاب رئیس تشکیلات از جوانترین حاضران و انتخابات هیات رئیسه پلنوم به وسیله ایشان انجام می شود. قرار بود آقای شهیدی که مستتر از آقای مهندس موحد هستند تشریف بیاورند که به دلیل گرفتاریهایشان تاکنون نتوانستند بیایند. آقای رامین ناصح و احمد عبدالحسینیان جوانترین شرکت کننده در پلنوم هستند .

سپس آقای مهندس موحد رئیس سنی پلنوم اظهار داشت :

به بنده چون تکلیف فرمودند به عنوان میزبان دوستان عزیز و رئیس سنی جلسه چون جناب آقای شهیدی و جناب آقای میرمحمد صادقی هنوز تشریف نیاورده اند به بنده امر فرمودند این کار را قبول کنم و چون میزبان هم بودم این کار را قبول کردم . راجع به تشکیل این جلسه ضمن تشکر از تمام نمایندگان محترم که از راه دور و نزدیک تشریف آوردند یک گوشه ای از هدفهای پلنوم را عرض میکنم ، مدتها بود تصمیم داشتیم شورای جبهه ملی انتخاب شود و افراد جدید و جوانتر به شورا اضافه شود و پس از بحث های زیادی تصمیم گرفته شد که این پلنوم بجای گنگره چون تشکیل گنگره فعلا برایمان میسر نبود این است که ما جلسه گنگره را به پلنوم تبدیل کردیم . خوشبختانه آقایان از راه دور و نزدیک تشریف آوردند و انشاءالله مقدمشان مبارک باشد و خیر برای جبهه ملی . هدف از تشکیل ؛ برنامه ای در کار است که انشاءالله با یاری همه دوستان این برنامه به خوبی و خوشی سپری خواهد شد . بنده از حضور تمام نمایندگان عزیز تشکر میکنم که از راه دور و نزدیک تشریف آوردند و چون جلسه ای است سرنوشت ساز از هر جهت هم از نظر سیاسی ، هم از نظر فرهنگی و هم از نظر

میهنی انشاءالله تمام آقایانی که هستند و دل سوخته و زحمت کشیده در راه جبهه ملی بتوانند روح حقیقی خودشان را در این اجتماع نشان بدهند .

دوستان برای برنامه های این پلنوم شاید دو سال بیشتر زحمت کشیده شده ، هیات هایی برای این نامه آن تعیین شد تا بالاخره خوشبختانه به نتیجه رسید و حضور آقایان را غنیمت می دانیم که از راه دور تشریف آوردند قدمشان سر چشم همه ما و امیدواریم که این پلنوم بتواند تصمیمات قاطع رو به پیشرفت برای جبهه ملی بگیرد. امیدوارم بعد از این پلنوم دوستانی که از شهرستانها تشریف آوردند به اهمیت وظیفه خود پی ببرند و سعی کنند تشکیلات شهرستان خودشان را به صورت رسمی درآورند انشاءالله تصمیمات پلنوم در راه خیر وصلاح ملت ایران باشد که همینطور خواهد شد .

سپس انتخابات هیئت رئیسه پلنوم به صورت کتبی و مخفی توسط هیئت رئیسه سنی بعمل آمد و در نتیجه آقای ادیب برومند با داشتن ۷۶ رای از ۸۱ نفر عده حاضر به سمت رئیس پلنوم انتخاب شد و آقای مهندس موحد با ۵۱ رای بعنوان نایب رئیس اول و تیمسار فرید با ۴۶ رای بعنوان نایب رئیس دوم و خانم فرشید افشار با ۷۰ رای بعنوان منشی اول و دکتر عباسعلی صحافیان با ۳۵ رای بعنوان منشی دوم جلسه انتخاب گردیدند . در اولین بخش از کار پلنوم پیام جبهه ملی برون مرز به آقای ادیب برومند توسط مهندس موحد به شرح زیر قرائت شد.

جناب آقای ادیب برومند

ریاست هیئت رهبری و شورای مرکزی جبهه ملی ایران بدینوسیله نهایت شوق و مسرت خود را از تشکیل اولین پلنوم سازمان جبهه ملی ایران در تاریخ دوم آبان در تهران ابراز داشته ، موفقیت آن مبارزین راه آزادی و مردم سالاری در ایران را آرزو می کنیم باشد که رهنمودهای پلنوم راه گشای مبارزات در مبارزه با خودکامگی و استقرار آزادی و دموکراسی در ایران باشد و باز امیدواریم که به همت مبارزات پیگیر و سرسختانه مردم شریف این آب و خاک در برقراری مردم سالاری در ایران همگی روزی بتوانیم دوش به دوش زنان و مردان هموطنمان در ایران به ساختن ایرانی آزاد و آباد کمر بندیم .

با آرزوی موفقیت کامل برای پلنوم جبهه ملی ایران

شورای جبهه ملی ایران برون مرز- ۲۲ اکتبر ۲۰۰۳- ۱۱-۲۰

سپس آقای ادیب برومند رئیس پلنوم اظهار داشت :

واقعا باعث کمال خوشبختی و سربلندی است حقیقتا جای سرور و مسرت است که امروز روز تشکیل پلنوم جبهه ملی ایران است بعد از مدتها که صحبت پلنوم بود بعد از آن کنگره بسیار قاطع سال ۴۱ ما امروز توانسته ایم این گردهمایی را داشته باشیم و اگر تاخیری در این زمینه حاصل شد بدون تردید بواسطه اوضاع و شرایط سیاسی بود که همه آقایان در جریان آن قرار دارند و بنابراین تقصیری به ظهور نیپوسته است و در اختتام کلام باید از دوست بیمار مقاومت، اهل مقاومت و سر سختی و شهامت و بردباری ها که کمتر نظیر این نوع بردباریها و صبوریها طی زندگانی اشخاص مبارز دیده شده است همانند آقای امیرانتظام که در بستر بیماری هستند ذکر خیری کنیم و از آقایان استدعا کنم که دعای خیری برای سلامت ایشان بدرقه راهشان بفرمایید.

ضمنا لازم است خوشبختی خود را از اینکه خانم شیرین عبادی از خانمهای فرهیخته ایرانی از خانمهایی که کم نظیر هستند در زمره بانوان فعال و جدی و مبارز و من شاهد بودم که ایشان مدتی قاضی دادگستری بودند در زمانی که بنده وکالت می کردم، قاضی بسیار جدی و خوشرو و صمیمی و متینی بودند که کارهای قضایی و آراء قضایی که از ایشان برمی آمد همه پسندیده بودند. ایشان بخاطر افتخاری که نصیبشان شده است و جایزه نوبل را در صلح احراز کرده اند باید ابراز خوشبختی کنیم و این را سرآغاز پیروزی زنان و بانوان ایران بدانیم و امیدوار باشیم که از این به بعد زنان کشور ما به واقع دوش به دوش مردان در مراحل اجتماعی و شئون سیاسی همگامی و همراهی خواهند داشت. با اینکه ما با تشکیلاتی که در اروپا و آمریکا است ارتباط تشکیلاتی نداریم ولی از طرف جبهه ملی برون مرز برای ما تبریک و شادباش گفته اند که بوسیله جناب آقای مهندس موحد خوانده شد و این داستانش این است که به هر حال هر جا که جبهه ای به نام جبهه ملی به نام این کلمه مقدس تشکیلاتی دارند ولو اینکه خودشان به ترتیب خاصی که دارند کار می کنند و اظهار نظر می کنند به جهت اهداف کلی که با ایشان در جهت تقدیس جبهه ملی و هدفهای بسیار ارزشمند جبهه ملی داریم بنابراین با وجود اینکه ممکن است هماهنگیهایی در پاره ای از مسائل نداشته باشیم اما برایشان احترام قائلیم و محترم می شماریم شادباشی که به این پلنوم اظهار کردند و فرستادند. برنامه ای که برای اجرا داریم این است که آقای دکتر موسویان رئیس تشکیلات و رئیس هیئت اجرائیه سخنرانی خود را ایراد می فرمایند.

سپس دکتر سید حسین موسویان سخنان خود را به شرح زیر آغاز کرد.

به نام خداوند جان و خرد

با عرض خیر مقدم خدمت خانمها و آقایانی که پلنوم را با قدم خودشان مزین فرمودند. مسائلی راجع به گذشته جبهه ملی و فعالیتهای آن که موضوع سخنرانی بنده است به عرضتان می رسانم البته گذشته جبهه ملی از بدو تشکیل تا به امروز شامل حوادثی است که بیانش در نیم ساعت و یک ساعت و ده ساعت نمی گنجد و بنابراین از اینکه من در حقیقت تیتراژ حوادث و خلاصه ای از آنها را به عرضتان می رسانم معذرت می خواهم .

پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و سقوط حکومت دیکتاتوری رضا خان، دکتر محمد مصدق از جمله معدود آزادیخواهان و میهن دوستانی بود که از زیر تیغ آن استبداد سیاه ۲۰ ساله جان سالم بدر برده بود و توانست به صحنه سیاسی کشور وارد شده و کاندیدای نمایندگی چهاردهمین دوره مجلس شورای ملی شود و مردم تهران او را به عنوان نماینده اول خود برگزیده و به مجلس شورای ملی فرستادند نماینده اول تهران در همین دوره بود که با نطقهای مهیج و پیشنهادهای حساب شده و حساس و طرح سیاست موازنه منفی نظر افشار مختلف ملت ایران را به خود جلب نمود و در جایگاه یک رهبر بزرگ ملی قرار گرفت. در انتخابات دوره پانزدهم مجلس که توسط دولت قوام السلطنه سرهم بندی گردید از ورود مصدق به مجلس جلوگیری شد و در جریان انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی مصدق همراه عده ای از شخصیتهای سیاسی و مدیران جراید تصمیم به اعتراض به نحوه انتخابات و جلوگیری از تقلب حاکمیت در آن گرفتند. روز ۱۸ مهرماه ۱۳۲۸ تراکتی با امضای دکتر محمد مصدق در دانشگاه و بازار پخش گردید که مضمون آن چنین بود: « ما تصمیم گرفته ایم که روز جمعه ۲۲ مهر دو ساعت قبل از ظهر در جلو سردر سنگی اعلیحضرت حاضر شویم ای مردم در آنجا ما را تنها و بیکس نگذارید.» با این ندای دکتر مصدق صبح جمعه ۲۲ مهر ۱۳۲۸ جمع کثیری از طبقات مختلف مردم که تعداد آنها را تا ۲۰ هزار نفر نوشته اند در خیابان کاخ گرد آمدند و به دنبال دکتر مصدق به طرف سردرسنگی کاخ مرمر به راه افتادند. در مقابل درب کاخ شاه، عبدالحسین هژیر، وزیر دربار که برای مذاکره با معترضین جلوی در آمده بود مورد تعرض شدید دکتر مصدق قرار گرفت، مصدق درحالیکه با مشت به سینه هژیر می کوبید فریاد کشید: عبدالحسین خان تو شرف داری؟ این انتخابات آزاد است؟ تو را به وجدانت این انتخابات آزاد است؟ بعد از مذاکراتی قرار شد ۲۰ نفر از معترضین بعنوان نماینده جمعیت به داخل کاخ وارد شده و متحصن شوند. مصدق و ۱۹ نفر دیگر به کاخ وارد شدند نام شخصیتهایی چون دکتر سید حسین فاطمی، دکتر کریم سنجابی، دکتر سیدعلی شایگان ، مهندس احمد زیرک زاده ، محمود نریمان ، حسن صدر، دکتر شمس الدین امیراعلائی در بین این نوزده نفر بچشم میخورد که بعدها از رهبران موثر و

وفادار جبهه ملی شناخته شدند، متحصنین با ورود به دربار نامه ای در مورد عدم آزادی انتخابات به شاه نوشتند و تا چهار شبانه روز منتظر پاسخ باقی ماندند. سرانجام ساعت ۵ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۹ مهر ۱۳۲۸ جوابی که به هیچ وجه قانع کننده و صادقانه نبود از طرف شاه و توسط وزیر دربار به متحصنین رسید و آنها پس از مشورت جوابیه ای به وزیر دربار دادند و از تحصن خارج شدند.

در پایان این جوابیه چنین آمده است: اگر فقر و بیچارگی مردم نتیجه اعمال هیئت حاکمه نیست، خوب است آن جناب بفرمایید علت بدبختی های این جامعه چیست؟ اکنون که درخواست ما مورد توجه و عنایت قرار نگرفت به تحصن خاتمه می دهیم و سعادت مملکت را همیشه خواهانیم.

گروه متحصنین در روز اول آبان ۱۳۲۸ در خانه مصدق گرد آمدند و موجودیت سازمان سیاسی جدیدی را اعلام نمودند که به پیشنهاد شهید دکتر فاطمی نام جبهه ملی بر آن نهاده شد. بنابراین ما در حقیقت در سالروز پنجاه و چهارمین سال تاسیس جبهه ملی هم به سر می بریم و انتخاب این روز به علت همین تقارن بوده است.

به زودی اولین اساسنامه جبهه ملی تدوین گردید و احزابی مثل حزب ایران، حزب زحمتکشان، حزب ملت ایران، نهضت خدایپرستان سوسیالیست و انجمن بازرگانان و کسبه بازار تهران به آن پیوستند و روزنامه های احزاب منعکس کننده نظرات جبهه ملی گردید مبارزات سیاسی که از طرف جبهه ملی آغاز گردید سبب ابطال انتخابات تهران و انجام انتخابات مجدد در پایتخت شد در انتخابات مجدد هشت نفر از دوازده نماینده تهران از اعضای جبهه ملی بودند و همین فراکسیون جبهه ملی در مجلس شانزدهم بود که توانست با پشتیبانی اکثریت قاطع ملت ایران قانون ملی کردن نفت در سراسر کشور را در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به تصویب نهایی برساند و کار بزرگ ملی کردن نفت را که اثرات شگرفی در وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این مرزوبوم داشت به نام خود به ثبت برساند. به دنبال تصویب قانون ملی کردن نفت موجی از احساسات میهن پرستانه سراسر کشور را دربرگرفت و رهبر جبهه ملی را در اوج محبوبیت و نفوذ سیاسی روی ملت ایران قرار داد و مجلس را ناگزیر ساخت جهت اجرای قانون ملی کردن صنعت نفت به نخست وزیری رهبر جبهه ملی اظهار تمایل نماید و حکم نخست وزیری مصدق در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ صادر گردید. رهبر جبهه ملی برنامه دولت خود را در دو ماده خلاصه کرد:

۱- اجرای قانون ملی کردن نفت. ۲- اصلاح قانون انتخابات.

اجرای قانون ملی کردن نفت جهت مبارزه ضداستعماری و اصلاح قانون انتخابات، نگاه به مردم سالاری و تحقق حاکمیت ملی را از سوی دولت رهبر جبهه ملی نشان می داد. خدماتی که دولت ملی در حدود ۲۸ ماه زمامداری خود انجام داد و گامهای بلندی که در راه حفظ منافع ملی در مجامع جهانی برداشت و حیثیت و اعتباری که برای ملت ایران در انظار جهانیان کسب نمود و اقدامات مهمی که در جهت اعتلا و پیشرفت ایران به ثمر رسانید و حوادث و توطئه هایی که در این مدت پشت سر گذاشت تاریخ مفصلی است که در این مقال نمی گنجد در هر حال کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با برنامه ریزی انگلیس و آمریکا و حمایت و تایید اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و عوامل داخلی آنها و دربار پهلوی به اجرا درآمد دولت ملی مصدق را سرنگون کرد و لطامت جبرانناپذیری را به ملت رنجدیده و محروم ایران تحمیل نمود. از فردای کودتای ۲۸ مرداد احزاب و نیروهای جبهه ملی تحت نام نهضت مقاومت ملی مبارزه برعلیه دربار و دولت کودتای اجنبی ساخته و در راه تحقق حاکمیت ملی را آغاز نمودند. ما یاد و نام مبارزانی که در روزهای سهمگین پس از کودتا پرچم مبارزه را به دوش کشیدند گرامی می داریم .

یکی از این افراد که در اینجا تشریف دارند آقای میر محمد صادقی هستند و سایر افراد و شخصیت‌های ملی ایران و احزاب جبهه ملی که در حقیقت نهضت مقاومت ملی را تشکیل دادند در مقابل فداکاری‌ها و جانبازی‌های آنان سر تعظیم فرود می آوریم و در ضمن تاکید می نمایم که نهضت مقاومت ملی که بعضی با تقلب آن را به نام خود صادره کرده اند متعلق به تمام نیروهای ملی و سازمانهای تشکیل دهنده جبهه ملی بوده است و به گروه خاصی ارتباط ندارد. مبارزات نهضت مقاومت ملی با انتشار نشریه‌ها و سازمان دادن تظاهرات و اعتصابات تا پنج، شش سال پس از کودتای ۲۸ مرداد ادامه یافت و بالاخره در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۹ از سوی شخصیت‌های ملی و همکاران نزدیک و وفادار دکتر مصدق و نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی نام شورای مرکزی جبهه ملی ایران مجددا مطرح گردیده و مبارزات تحت این نام پرافتخار ادامه یافت. از این دوره معمولا تحت عنوان جبهه ملی دوم نام می برند. جبهه ملی ایران در این دوره و تحت شرایط سیاسی خاص در مدت کوتاهی توانست یک مرکز تشکیلات در خیابان فخرآباد، خانه شماره ۱۴۳ در اختیار داشته باشد. با بسته شدن این محل از طرف رژیم به فاصله کوتاهی محل دیگری در خیابان ایتالیا تهیه شد که آن هم به سرنوشت باشگاه اول دچار گردید. به ناچار جلسات و گردهمایی‌های جبهه ملی در منازل اعضاء تشکیل می گردید. در فاصله سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۳ جبهه ملی صدها اعلامیه و خبرنامه و نشریه منتشر نمود که همگی در تیراژ نسبتا زیاد و در نقاط مختلف کشور تکثیر و

توزیع می گردید. تظاهرات و میتینگ ها و اعتصابات متعددی در این مدت از سوی اعضاء و سازمانهای جبهه ملی صورت پذیرفت. در میتینگی که در اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ در میدان جلالیه تهران محلی پارک لاله فعلی برگزار گردید صدها هزار نفر از مردم تهران شرکت نمودند و فی الواقع تهران به حالت تعطیل درآمد و گفته می شد که شاه شخصا با هواپیما بر فراز محل برگزاری میتینگ آمده و از عظمت جمعیت آن دچار ترس و وحشت گردیده بود. مبارزات جبهه ملی در این دوره توانست دو انتخابات پی در پی مجلس را که بوسیله اقبال و شریف امامی نخست وزیران شاه به نام انتخابات زمستانی و انتخابات تابستانی انجام شده بود به ابطال بکشاند و رژیم را در تنگنا و مخصصه سیاسی عمده ای قرار دهد. از مشخصات جبهه ملی در این دوران داشتن تشکیلات گسترده و سازمانهای وسیع و کم نظیر بود و علی التحقیق می توان گفت که گستردگی تشکیلاتی جبهه ملی دوم را هیچ گروه سیاسی غیر دولتی در ایران نداشته است. به عنوان مثال و نمونه عرض می کنم که در آن زمان از پانزده هزار دانشجو که در دانشکده های مختلف دانشگاه تهران مشغول تحصیل بودند حدود سه هزار نفر اعضاء حوزه نشین و تشکیلاتی جبهه ملی بودند و میتینگ های دانشجویی در دانشگاه تهران با شرکت سیزده، چهارده هزار نفر برپا می شد یعنی تقریبا تمام دانشجویان آن شرکت می نمودند. با تصمیم کمیته دانشجویان جبهه ملی در هر لحظه کل دانشگاه تهران به حالت تعطیل درآمد آماده تظاهرات و اعتراضات سیاسی می شد و نزدیک به همین وضعیت در بازار تهران وجود داشت. در شهرهای بزرگ و کوچک کشور نیز کم و بیش همین قدرت و وسعت تشکیلاتی دیده می شد در کنگره جبهه ملی در دیماه ۱۳۴۱ یکصد و شصت نفر نمایندگان سازمانهای جبهه ملی که از سراسر کشور انتخاب شده بودند در منزل حاج حسن قاسمی گرد آمدند. این کنگره چند روز متمادی به کار خود ادامه داد و نتیجه کار آن تدوین منشور و تنظیم اساسنامه جبهه ملی و انتخاب شورای مرکزی ۳۵ نفره آن بود. شاه که از کنگره جبهه ملی و منشور مترقی آن به شدت متوحش و نگران شده بود با الگوبرداری از بخشهایی از منشور جبهه ملی مبادرت به اعلام انقلاب سفید کزایی نمود که چون صداقت و اصالتی در لوایح به اصطلاح انقلابی او نبود همگی به شکست انجامید و عدم موفقیت اصلاحات فرمایشی او و فساد روزافزون دستگاه حکومتش و استبداد و اختناق که در جامعه ایران حکمفرما نموده بود عوامل اصلی انقلاب ۵۷ گردید. متأسفانه در پایان کنگره جبهه ملی بعضی از افرادی که به عضویت شورا انتخاب نشده بودند و برخی احزاب که در شورای مرکزی تعداد عضو مورد نظرشان را پیدا نکرده بودند کوتاه فکرانه نامه های اعتراض آمیز و گله مندانه نسبت به کنگره به رهبر جبهه ملی که در آن هنگام در احمدآباد تحت نظر و در خانه اش در



دکتر حسین موسویان رئیس هیئت اجراییه جنبه ملی ایران در حال سخنرانی در پلنوم



حسین شاه حسینی عضو شورای مرکزی جنبه ملی ایران در حال سخنرانی در پلنوم



هیئت رئیسه پلنوم آقایان ادیب برومند (رئیس)، سرلشکر ناصر فرید و مهندس نظام الدین موحد(نواب رئیس) و خانم فرشید افشار(دبیر)



دکتر پرویز ورجاوند عضو هیئت رهبری جبهه ملی در حال سخنرانی در پلنوم

محاصره بود نوشتند و توسط یکی از بستگان ایشان که خود جزء معترضین قرار داشت به دست آن بزرگ مرد رسانیدند و باعث شدند که دکتر مصدق به شورای مرکزی منتخب کنگره نامه نوشته و اعتراضات آن عده را به شورا منعکس نماید و کار تشکیلاتی جبهه ملی را مورد انتقاد قرار دهد. این نامه که پاسخ و توضیح شورای مرکزی را به دنبال داشت نتوانست ایشان را متقاعد نماید و در نتیجه نامه دوم از طرف ایشان به شورا نوشته شد و پس از ردوبدل شدن چند نامه شورای مرکزی به رهبر جبهه ملی نوشت که نمی خواهد در مقابل عقیده ایشان در مورد نحوه تشکیلات جبهه مقاومت نماید بنابراین فعالیت شورا را متوقف نموده و منتظر دستور رهبر خود برای تشکیل شورای جدید می ماند. به دستور آقای دکتر مصدق آقای باقر کاظمی مامور تشکیل شورای مرکزی جدید شد ولی متأسفانه شورایی که توسط آقای باقر کاظمی دعوت شد فقط یک جلسه تشکیل گردید و نتوانست به انسجام و تفاهم برسد و فعالیت جبهه ملی را تداوم بخشد و بر هیچکس پوشیده نیست که توقف فعالیت جبهه ملی باین نحو از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۵۶ یعنی به مدت ۱۳ سال چقدر در سرنوشت ملت ایران و آنچه در انقلاب سال ۵۷ پیش آمد اثر منفی داشته است. در سال ۱۳۵۶ با توجه به شرایط سیاسی نوینی که پدید آمده بود و با توجه به شکست رژیم شاه در اصلاحات ادعایی و به بن بست رسیدن رژیم او در بسیاری از زمینه ها اعضای شورای مرکزی جبهه ملی منتخب کنگره را وادار نمود که مجدداً دوره هم جمع شده و جبهه ملی را فعال نمایند. آقای دکتر کریم سنجابی دعوت از اعضای شورا را به عهده گرفت و شورا را از برخی از افراد منتخب کنگره و نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی ملی تشکیل داد. اولین تجمع بزرگ اعضای جبهه ملی در کاروان سراسنگی باغ مرحوم حسین گلزار تشکیل گردید که مورد هجوم اعضای ساواک و نظامیان ارتش شاه قرار گرفت و ضرب و شتم و مجروح شدن اعضای جبهه ملی را در پی داشت. با تندتر شدن جریان انقلاب تحركات جبهه ملی نیز بیشتر می شد و اعضای جبهه ملی به سرعت مشغول سازماندهی و یافتن یکدیگر شدند. در روز ۱۷ دی ماه ۵۷ با دعوت جبهه ملی اعتصاب عمومی در سرتاسر کشور با موفقیت به اجرا درآمد. در راهپیماییهای عید فطر و بعداً تاسوعا و عاشورای ۵۷ جبهه ملی فعالانه شرکت داشت. در میتینگ ها و گردهماییهایی که هر روز در دانشگاه ها، بیمارستانها، ادارات و کارخانجات اعتصابی بر پا می گشت اعضا و رهبران جبهه ملی حضور یافته و سخنرانی می نمودند و کلاً استراتژی جبهه ملی این بود که با حکومت شاه تا محو کامل آن مبارزه نماید زیرا این تجربه وجود داشت که در گذشته شاه چندبار عقب نشینی نموده و تا آستانه سقوط پیش رفته بود ولی با به دست آوردن فرصت به تهاجم مجدد به نیروهای مردمی پرداخته و موقعیت خود را تثبیت نموده

بود اعلامیه سه ماده ای که از طرف دکتر کریم سنجابی در تاریخ ۱۴ آبان ۵۷ پس از ملاقات با آیت الله خمینی منتشر گردید حکایت از همین استرژژی جبهه ملی داشت. این اعلامیه سه ماده ای را از خانمها و آقایان درخواست می کنم به دقت و کلمه به کلمه بخوانند در کتابها هست توجه بفرمایید که این یک چماقی شده برعلیه جبهه ملی در حالیکه هیچ نکته ای که باعث بشود این چماق را بعضی ها در دست بگیرند وجود ندارد. این هر سه ماده را خدمتتان میگویم .

ماده اول: سلطنت کنونی ایران با نقض مداوم قوانین اساسی و اعمال ظلم و ستم و ترویج فساد و تسلیم در برابر سیاستهای بیگانه فاقد پایگاه قانونی و شرعی است. ماده دوم: جنبش ملی اسلامی ایران نمی تواند با وجود بقاء نظام سلطنتی غیرقانونی با هیچ ترکیب حکومتی موافقت نماید. ماده سوم: نظام حکومت ملی ایران باید بر اساس موازین اسلام و دموکراسی و استقلال بوسیله مراجعه به آراء عمومی تعیین شود .

۵ روز پس از پیروزی انقلاب در تاریخ ۲۷ بهمن ۵۷ جبهه ملی طی اعلامیه ای طرح انتقال قدرت به ملت را ارائه نمود ولی متاسفانه انحصار طلبانی که به اهرمهای قدرت دسترسی پیدا کرده بودند به هیچ وجه حاضر به رعایت موازین دموکراسی و حقوق مردم نبودند و هر روز انقلاب را از مسیر اهداف اولیه آن دورتر می نمودند. بناچار جبهه ملی که می خواست راه راست دفاع از آزادی و حاکمیت ملی را دنبال نماید با تشنگان قدرت و انحصارگران اختلاف مسیر پیدا نمود. هنوز یک ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که دکتر سنجابی از پست وزارت خارجه دولت موقت استعفا داد و در باشگاه جبهه ملی که در یکی دو سال اول بعد از انقلاب در خیابان سی متری مقابل ستاد ژاندارمری قرار داشت در یک کنفرانس مطبوعاتی علت استعفای خود را توضیح داد و هشدار داد که انقلاب به بیراهه میرود و دستهایی مافوق دولت و به طور غیرقانونی امور را تحت نظر و سلطه خود می گردانند. ما در روزهای بعد از انقلاب با ده ها اعلامیه و جزوه که هر یک سند افتخاری برای جبهه ملی است نظرات مصلحانه خود را به مردم اعلام نمودیم. از مجلس خبرگانی که به جای مجلس موسسان تشکیل گردید انتقاد کردیم. پیش نویس مترقی برای قانون اساسی تهیه و اعلام نمودیم راجع به ولایت فقیه صراحتا اظهار نظر نمودیم هفتاد و هفت شماره روزنامه پیام جبهه ملی را که در حکم سند افتخار برای جبهه ملی است منتشر نمودیم روزنامه ای که با حداقل امکانات بار تمام روزنامه های اصلاح طلب امروزی را به تنهایی به دوش می کشید. چندین بار از مردم خواستیم که در راهپیمایی ها و میتینگ های اعتراضی شرکت نمایند و بالاخره در ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ برای اعتراض به روشهای حاکمیت از مردم دعوت نمودیم که به میتینگ و راهپیمایی جبهه ملی

بایند و این همان مقطعی بود که با حربه ارتداد جبهه ملی را از صحنه خارج و به حاشیه راندند بسیاری از سران جبهه ملی به زندان افتادند و یا زندگی مخفیانه در پیش گرفتند و یا جلای وطن نمودند ولی با وجود تمام این مزیقه‌ها جبهه ملی در این سالها متوقف نگردید و همچنان در راه مردم گام می‌زد طی این سالها ده‌ها اعلامیه از طرف جبهه ملی منتشر گردیده و صدویستمین شماره نشریه درون‌سازمانی پیام جبهه ملی نیز چند روز پیش انتشار یافته است. علی‌رغم شمشیر ارتداد در مراسم ملی گوناگون سرفرازانه با آرم جبهه ملی ایران حضور یافته ایم با کمال صداقت و حسن نیت در ارتباط با جنبش اصلاح طلبی که از درون حاکمیت در سال ۱۳۷۶ آغاز گردید همراهی نمودیم و باورمان این بود که شاید این جنبش بتواند به نحوی مسالمت آمیز و بدون ایجاد تنش و خشونت مسیر انقلاب را از بیراهه برهاند و به مسیر مردم سالاری و حاکمیت ملی رهنمون گردد. در این برهه با نگاشتن نامه‌های سرگشاده به رئیس‌جمهور و اصلاح طلبان گوشزد نمودیم که بخاطر ایران و منافع ملت ایران در شعارهای خود کوتاه نیایند و به رای بیست و چند میلیونی مردم تکیه نموده و با در صحنه نگاه داشتن مردم و تکیه بر نیروی آنان از خواسته و رای ملت حراست نمایند متأسفانه کوتاه آمدنهای قدم به قدم اصلاح طلبان و تهاجم مدام و برنامه ریزی شده مخالفان اصلاحات فرصت مغتنم بدست آمده را نیز از بین برد و در شرایط کنونی که کشور از همه سو مورد فشار و تهدید و تهاجم است باز هم جبهه ملی بر پا ایستاده و در اعلامیه بیست و هفت اردیبهشت ۸۲ ندا می‌دهد که راه نجات کشور انجام یک همه‌پرسی برای اصلاح ساختار قدرت می‌باشد.

پاینده ایران زنده و جاوید باد. جبهه ملی ایران

سپس آقای ادیب برومند رئیس پلنوم اظهار داشت :

البته بیش از اینها می‌شد راجع به فعالیتهای جبهه ملی سخن گفت ولی ایشان همانطور که اشاره کردند بعلت کمبود وقت به اختصار برگزار کردند و اما کار دیگری که خارج از برنامه می‌خواهیم انجام دهیم آقایان می‌دانید که یکی از ویژگی‌های جبهه ملی اعتقاد و داشتن تعهد به مکارم اخلاقی است هر فردی که در جبهه ملی وارد شود مکلف است به رعایت موازین انسانی و اخلاقی. به این جهت است که یکی از جنبه‌های مکارم اخلاقی و اخلاق حسنه وفاداری نسبت به کسانی است که سالها در راه هدفهای مقدس نهضت ملی ایران وفاداری و پایبندی به موازین جبهه ملی پیشگام بودند و در جلسه ما آقای حسن میرمحمدصادقی یکی از مصادیق این جنبش وظیفه شناسانه و فداکارانه در راه جبهه ملی بوده است و ما هم تقدیری از ایشان می‌خواهیم بکنیم هر چند این تقدیر و تحسین کافی

برای اینکه حقوق ایشان ادا شود نیست ولی شمه‌ای است که از دست ما ساخته است برای ایشان قابی تهیه کردیم که نوشته شده و آقای مهندس موحد میخوانند و خدمت ایشان میدهیم.

متن لوح که توسط آقای مهندس موحد خوانده شد بشرح زیر است.

جناب آقای حسن میرمحمد صادقی

عضو شورای مرکزی جبهه ملی اکنون که دوران بازنشستگی جنابعالی از فعالیتهای سیاسی فرا رسیده شورای مرکزی جبهه ملی ایران به پاس خدمات صادقانه و فداکارانه آن مبارز دیرپای در راه نهضت ملی ایران و پایبندی به هدفهای جبهه ملی و بیش از ۶۰ سال چالشگری در مسیر مبارزات ملی کمال قدرشناسی را نسبت به شما اظهار می نمایم و عضویت افتخاری شورای مرکزی جبهه ملی ایران را به سرکار ارزانی می دارم.

تهران-اول آبانماه ۱۳۸۲

از طرف شورای مرکزی و هیئت رهبری جبهه ملی ایران-ادیب برومند
در قسمت بعدی به آقای دکتر محمد حریری وقت داده شد که پیام کمیته جبهه ملی ایران در آذربایجان را قرائت نمایند. متن سخنان آقای دکتر حریری به شرح زیر است.

پدرم از یاران خیلی قدیمی رهبر بزرگ نهضت ملی ایران بود که از خدا می خواهم که روحشان و ارواح همکاران گرانقدر ایشان را قرین رحمت و الطاف خداوندی خود قرار دهد و از اینکه این افتخار نصیب من هم شده که پیرو آن بزرگمردان باشم بی نهایت بر خود می‌بالم. خیلی معذرت میخواهم از فرد فرد خانمها و آقایانی که همه‌شان بزرگان این مملکت هستند و همه‌شان اسطوره‌های مقاومت و سرافرازی این مملکت هستند اینک این چند جمله را از طرف همکاران آذربایجان که همه‌شان مایل بودند که در این محل باشند و این افتخار نصیبشان شود، برایتان قرائت می‌کنم.

به نام خدا

ریاست محترم شورایعالی جبهه ملی ایران

با تقدیم سلام و درود بی پایان هم مسلکان آذربایجانی از اینکه نمایندگان جبهه ملی ایران کمیته ایالتی آذربایجان را جهت شرکت در پلنوم دعوت فرموده اید نهایت سپاس و تشکرات قلبی کلیه هم سنگران آذربایجانی را تقدیم میداریم و از خداوند توفیق خدمتگذاری برای ملت قهرمان و قدرشناس ایران مسئلت مینمائیم.

خانم ها و آقایان نمایندگان محترم! کمیته جبهه ملی در استان آذربایجان از زمان شادروان دکتر محمد مصدق رهبر همیشه جاوید ملت ایران در سال ۱۳۲۹ تشکیل شده و به حیات

سیاسی خود ادامه داده وهمچنان به صورت فعال باقی مانده است.اعضاء جبهه از زمان تاسیس در تبریز با چالشها و تحمل رنجهها و شکنجه ها و تحمل خسارات مواجه بوده اند ولی همه این مرارتها و ناکامیها را بخاطر خدمت به ملت شریف ایران و پیشبرد اهداف سیاسی جبهه در زدودن آثار شوم بیگانه پرستی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی و حقوق حقه مردم ایران زمین بجان ودل خریده‌اند و خواهند خرید.

اعضاء این جبهه در تحولات بعمل آمده در موقع انقلاب این ملت که منجر به فروپاشی رژیم سلطنتی و تغییر بنیادی در جامعه گردید از هدایت مردم در جهت حفظ بزرگترین هدیه الهی یعنی آزادی تفکر و انتخاب و مبارزه بی امان با جهل و استبداد و دربیگانه ستیزی کوتاهی نکرده‌اند. جبهه ملی آذربایجان در آن شرایط سخت در مقابل هرگونه تجزیه طلبی که استقلال ایران را از بین میبرد به شدت پایداری کرده و عوامل آگاه بیگانه و نا آگاه داخلی را مایوس ساخته است. در آن مبارزه سخت رئیس وقت کمیته آذربایجان مرحوم آیت الله حاج میرزا محمدعلی انگجی نیز درصاف مقدم قرار داشته که به همراه عده ای از یاران نقاب بر خاک کشیده جبهه مانند مرحومین حاج محمد علی بهروزین و حاج حسین دریانی و دکتر فریدون عطاری استاد بزرگوار دانشگاه و سایرین مجاهدت بسیاری کرده است که یاد همه بخیر و روانشان شاد باد.

ما با احترام گذاردن به اعتقادات مذهبی و سنن ملی ایرانیان در همان راه رفتگان ادامه مبارزه داده و خواهیم داد. این تصریح و تاکیدها حقیقتی است که دوست و دشمن به آن اقرار کرده و خواهند کرد. جبهه ملی آذربایجان در شرایط امروزی مشکل اساسی جبهه ملی را عدم بررسی عمیق تحولات کشور و رویدادهای ملی و جهانی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران میداند و عقیده دارد که با اجرای آن نباید به حقوق اساسی ملت خدشه وارد شود اگر در عمل تعارضی در اصول پیدا گردد بلافاصله با همه پرسى رفع تعارض به نفع صاحبان قانون اساسی یعنی خود ملت فیصله یابد که نمونه بارز این تعارض سلب اختیارآزادی ملت در انتخاب نمایندگان موردنظر خود وسیله نظارت استصوابی میباشد.

در این راستا نیز عقیده داریم که این معضل آشکار و حاد را میتوان به وسیله همه پرسى حل و فصل کرد و نیازی به جدال جناحین حاکمیت نمیباشد.

جبهه ملی آذربایجان عقیده مند است که تجربیات تلخ گذشته به همه آموخته است برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی و بنیادی ایران بایستی راه حل ایرانی پیدا کرد. برای رسیدن باین هدف مبارزه وسیعتر و آشکارتر لازم است عمیقا معتقدیم که هیچ کشور بیگانه و

عوامل آن بخاطر نجات مردم ایران از چنگ جهل و استبداد قدم به پیش نمیگذارد. آنها منافع شخصی و ملی خود را بر منافع این ملت ترجیح میدهند.

جبهه ملی آذربایجان ایمان دارد که با تکیه بر اراده و نیروی لایزال ملت کهنسال ایران میتوان به مشکلات فائق آمد و رویدادهای دور و نزدیک و وضع خطرناک خاورمیانه مخصوصا همسایگان ایران نشان میدهد فقط میتوان با منسجم کردن و آگاه نمودن ملت با خطرات ناشی از تهاجم بیگانه در منطقه مبارزه کرد و مانع سقوط استقلال و تمامیت ارضی ایران گردید. اگر گردانندگان گرانقدر جبهه ملی از موقعیت استفاده نکرده و نسبت به جذب نیروهای جوان اقدام اساسی ننمایند در تاریخ ایران بخشیده نخواهند شد.

جبهه ملی آذربایجان پیشنهاد مینماید که شورای عالی منتخب جدید و هیات رهبری و هیات اجرایی که انتخاب خواهند شد با توجه به این طرز تفکر و با عنایت به بذل مال و جان در مقابل ملت ایران متعهد شوند. عمرو وقت خود را سرمایه این جهاد مقدس بنمایند.

ما اطمینان داریم که این ملت بزرگوار با مطالعه تاریخ دویست ساله ایران و کندوکاو رویدادهای تلخ و شیرین به این حقیقت دست یافته است که برای نجات کشور از این بن‌بست موجود جز پیمودن راه رهبر بی نظیر ایران خلدآشیان دکتر محمد مصدق راه دیگری وجود ندارد. راه رهبر جاوید نهضت ملی ایران راهی است که همواره مجد و عظمت ایران و کوتاه کردن دست بیگانگان و تشویق مردم به شرکت فعال در تعیین سرنوشت خود و حذف سلطه‌گری را مدنظر داشته در تحقق آن مبارزه نموده است.

ما با استعانت از درگاه پروردگار توفیق نمایندگان محترم پلنوم را در طرح و تصویب خط مشی جدید و انتخاب رهبران جبهه ملی با عنایت به خواست های مردم آرزو مندیم.

دردود بروان پاک دکتر محمد مصدق

پاینده و جاوید باد ایرن

کمیته ایالتی جبهه ملی آذربایجان

سپس آقای ادیب برومند ریاست پلنوم اظهار داشت:

همیشه آذربایجان و مردم آذربایجان پیشگامان راه آزادی و حفاظت چهاردیواری ایران بوده‌اند در عین حال که ما از آذربایجان بسیار امیدها داریم درباره خراسان هم همیشه منتظر بوده ایم که بهترین فعالیتها و نیکوترین اقدامات مفید را برای جبهه ملی انجام دهند. خراسان یکی از بزرگترین پایگاه های مقاومت و مبارزه در راه نهضت ملی ایران و وفاداری نسبت به جبهه ملی ایران بوده است.

در قسمت بعدی برنامه به پنج نفر از حاضران وقت داده شد که هر یک به مدت پنج دقیقه نظرات خود را بیان نمایند باین ترتیب ۱- آقای منوچهر ملک قاسمی ۲- خانم فرشید افشار ۳- آقای حسن خرمشاهی ۴- آقای مهندس حبیب یکتا ۵- آقای حسین راضی در نوبت سخنرانی قرار گرفتند.

آقای منوچهر ملک قاسمی بدینگونه سخنان خود را آغاز نمودند
بنام خداوند جان و خرد

پیامها مفصل است و سخنرانی ها خوب انجام گرفت. توضیحات لازم داده شد. مخصوصا آقای دکتر موسویان واقعا حق مطلب را ادعا فرمودند اگر می خواستیم در این مورد صحبت کنیم ساعتها طول می کشید، همه آشنا هستند و ضرورتی ندارد.

دوستان آذربایجانی من که خود بنده را هم شرمند فرمودند. واقعا آنچه از دل برآمده بود در مورد آذربایجان نوشتند. از سال ۱۳۲۲ که جنبش ملی شروع شد مرحوم آیت الله انگجی آمدند از یاران مرحوم دکتر مصدق بودند تا روز آخر که فوت کردند. حتی بعد از انقلاب هم محلی را اجاره کردیم که ایشان آمدند و آنجا عکسهایی داریم که باید در آرشیو جبهه ملی موجود باشند و عکس دکتر مصدق که حاکمیت از این کار خوشش نیامد. در اینجا آقای ملک قاسمی شعری که برگردان آن «یا مرگ یا مصدق» است قرائت کردند که مورد توجه حاضران قرار گرفت و سپس به سخنان خود چنین ادامه دادند.

خوشبختانه رفقای شما در آذربایجان همه ثابت قدمند و هیچ وقت آن راه و روش را فراموش نکردند همان راه و روش را می روند. اجازه می خواهم یادی از آقای دکتر داوران بکنم که در آذربایجان اولین نفری بودند که همراه آیت الله انگجی آمدند و در جبهه ملی بودند و حزب ایران را هم تشکیل دادند و یکی از یاران بسیار صدیق و بزرگواری دکتر مصدق که در حالت حیات هستند، آقای علی اصغر مدرس هستند که ما در حق ایشان چندین جلسه تجلیلی تشکیل دادیم. یکی از حقوقدانان بزرگ هستند و نماینده اول تبریز در دوره ۱۷ بودند، بعد هم از طرف مرحوم دکتر مصدق آن هیئت ۷ نفری که برای اداره ملی کردن نفت انتخاب شده بودند ایشان نفر اول و رئیس آن شورا بودند یک روز هم در جایی از ایشان تجلیل شد حتی از مقامات هم بودند حتی وزیر ارشاد هم آمده بودند و در آنجا نام مصدق کبیر آمد چنان کف زدند و حورا کشیدند که خدا می داند. نکته ای که بنده میخواستم عرض کنم در مورد جلسه امروز و اساسنامه است. در مورد اساسنامه من خیلی مطالعه کردم اینجا ما با یک مشکل روبرو هستیم که باید حل شود و آن مشکل سازمانی است. در اینجا در ماده ۱۴ اساسنامه پیش بینی شده که تعداد نمایندگان شورای مرکزی ۵۰ نفر است از آن ۵۰ نفر ۳۵ نفر انتخابی

است که پلنوم انتخاب می کند و ۱۵ نفرشان هم بوسیله شورای مرکزی انتخاب و دعوت میشوند یعنی اشخاصی که اعتباری در سازمانها و احزاب و جامعه دارند از آنها هم دعوت می شود که تشریف بیاورند و عضویت شورا را قبول داشته باشند.

در گذشته بارها در جلسات شورا بحث شده که همه اطلاع دارند که یک عده از دوستانمان در خارج از کشور هستند مثل آقای لباسچی و آقای فاطمی که نمی توانند بیایند، بنده پیشنهادم این بود که جزو آن ۱۵ نفری که خودمان دعوت میکنیم این آقایان را هم قرار دهیم که نامشان حذف نشود.

سخنران بعدی خانم فرشید افشار بود که سخنان ایشان به شرح زیر است

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

یک نکته نیست غم عشق و این عجب که از هر زبان می شنوم نامکرر است

بسیار افتخار دارم که در این جلسه حضور پیدا کردم. بنده بسیار سپاسگزارم از فرمایشات ریاست محترم شورا که یاد کردند از یک زن فعال مبارز و برنده جایزه صلح نوبل بنده با کسب اجازه از محضرشان لازم دانستم گرچه مجلس مردانه است، متأسفانه من یکی دوبار در این جلسات عرض کردم که چرا حاضران، دخترانتان و همسرانتان را به این جلسات نمی آورید و خواهش کرده بودم که آقایان خانواده ها را در این جلسات شرکت دهند و الان تعداد خانمها خیلی معدود است.

قطعه ای برای شیرین عبادی گفتم لازم دانستم با اجازه آقای ادیب در اینجا بخوانم :

شیرآسانی که تو هستی چگونه توصیف توان کرد که از سپیده برآمدی از شرق و تابی غروب می توانی زیست کجا کجا چنان تویی در این مجال تحیر اینچنین آفریند به عشق می اندیشد و به آزادی کدام کدام زنی چون تو میلادی چنین از صلح زاد و به مردمان هدیه داد؟ اینگونه چیست؟ شیرآسانی که تو هستی شگفتی برانگیختی که از شرق از سپیده فروریختی و بی افول توانی ماند تو شیرین فرهاد را به یادمان آوردی که اگر فرهاد بیستون را بنیاد نهاد و کتیبه ای از عاشقی برنوشت تو شیرین دیگری به چنین سرشت که کتیبه عشق را به پیشانی البرز حک کردی و این است اعجاز سرنوشت

اینک حماسه ات را زنان سرزمین من بر کتیبه های طپش ناک، نه بر کوه که بر دل می نویسند این چنین است که تابی غروب می توان زیست شیرآسانی که تو هستی از شرق برآمده و در آستان دیانت عشق را دوباره برافروختی که آن را حد توصیفی نیست.

سخنران بعدی آقای حسن خرمشاهی چنین آغاز سخن نمود :

بنام خداوند آفریدگار ما، بنام مرحوم دکتر محمد مصدق

رهبر ضد استعمار ملل شرق و بنیانگذار جبهه ملی ایران همانطور که در آن گزارشی که دکتر موسویان گفتند بنده در سال ۱۳۲۸ بدعوت عام مرحوم دکتر مصدق برای اعتراض به عدم آزادی در انتخابات دوره شانزدهم در میتینگی جلوی دربار به عزم تحسن حضور یافتم که در آن موقع ۲۱ سال داشتم با مذاکره و همفکری و همیاری اهالی محل قنات آباد در آن میتینگ شرکت کردم بیاد می آورم در آن موقع هژیر از طرف شاه آمد در مقابل مرحوم دکتر مصدق و گفت فرمایستان چیست؟ دکتر مصدق گفت ما آمده ایم تا حصول نتیجه و برای آزادی انتخابات تحسن اختیار کنیم. بعضی ها در بیانات خود گفته و در کتابها نوشته اند که دکتر مصدق به سینه هژیر کوبید بنده که در دو سه ردیف پشت سر ایشان بودم شاهد بودم که آن مرد والا یقه هژیر را گرفت و گفت هژیر تو را به خدا این انتخابات آزاد است؟ مذاکراتی که انجام شد قرار بر این شد شخص دکتر مصدق با چند نفر از یاران تحسن کنند و دیگران با نظر ایشان محل را ترک کردند. آقای خرمشاهی سپس با ذکر یک سابقه تاریخی از بیان سفیر کبیر اسبق فرانسه در ایران که گفته بود مردان بزرگی در مصادر امور بوده اند که از دار دنیا رفته و در مزارها خفته اند ولی کار فرانسه هرگز به رکود نکشید و خوابیده است. گفتند که این شخص به همکاران و یاران خود در سفارتخانه گفته بوده است که اختلافات را کنار بگذارید فرضا که شما اینجا نباشید کارها سیر عملی و طبیعی خود را طی می کند پس اختلافات را برای پیشرفت امور کنار بگذارید. آقای خرمشاهی با ذکر این مطلب اظهار داشتند ما هم همیشه نخواهیم بود و مثل سابقان که در کنگره جبهه ملی بودند و حالا نیستند در آینده نخواهیم بود و دیگری در پلنوم شرکت کرده این راه را ادامه خواهند داد و ضرورت امر ایجاب می کند که ما اختلافات را کنار بگذاریم با اتحاد نظر این چراغ را روشن نگاهداریم ایشان اضافه کردند خود بنده از روزی که وارد جبهه ملی شدم حدود ۵۴ سال می گذرد از آن موقع تا کنون یک سرباز ساده بوده ام و تا امروز جبهه ملی هدفم بوده و نه وسیله برای ترقی و کسب مشاغل و منصب. ما باید همه به پیشرفت جبهه ملی و تعالی کشور بیندیشیم و لاغیر.

آنگاه آقای مهندس یکتا به سخن پرداختند ایشان با سلام و تبریک برای تشکیل این اجتماع گفتند دو سه نکته است که می خواهم درباره آن صحبت کنم. یکی آنکه در مورد آقای میرمحمد صادقی از فعالان و سخت کوشان جبهه ملی خوب بود لغت بازنشسته بکار نمی رفت پیشنهاد من این است که در این تقدیر لغت بازنشسته حذف و بجای آن از ۵۵ سال خدمت ذکری بمیان آید. نکته دیگر آنکه اگر آقایان بخاطر بیاورند در تدوین قانون اساسی سال ۱۳۵۸ نوشته شده بود «مجلس شورای ملی» از طرفی مجلس هم حق تغییر قانون

اساسی را ندارد ولی آقایان با یک نشست و برخاست اسم مجلس را عوض کردند ما آنوقت سکوت کردیم. این را در مطالب یادآور شوید. سومین نکته آنکه چرا در کشورهای مثل فرانسه و انگلیس یا سوئیس کودتا وجود ندارد ولی در کشورهای مثل ایران، سوریه و ... کودتا بوقوع می پیوندد بنظر من جواب اینست که چون در آن کشورها سازمانهایی منسجم وجود دارد که امکان کودتا را از بین می برد و حالا ما چه کنیم تا بتوانیم در جهت ایجاد دموکراسی خدمتی انجام دهیم. ایشان اضافه کردند باید ما این راه کار را پیدا کنیم و با شعار پاینده باد ایران سخنان خویش را به پایان بردند.

سپس آقای حسین راضی سخنان خود را اینگونه آغاز کرد:

بنام خدا. اولاً از طرف اعضای حزب مردم ایران خدمت نمایندگان محترم جبهه ملی سازمانی که دوستش دارم تبریک و خیر مقدم عرض می کنم و امیدوارم که نتیجه این پلنوم بسیار مثبت باشد در مورد گزارش جناب دکتر موسویان چون جنبه تاریخی داشت و خیلی هم عالی بود واقعا من تشکر و قدردانی می کنم. برای اینکه اصلاح شود، من این تذکر را می دهم و آن اصلاح ایشان بی لطفی بود که نسبت به احزاب شد احزاب ملی در حالیکه پایه گذار و تداوم بخش مبارزه هستند، همیشه در هر شرایطی حفظ کردند. جبهه را، مبارزات ملی را. در اینجا فرمودند که جبهه ملی دوم وقتی کنگره اش تشکیل شد که بسیار عالی هم بود. شادروان مصدق نامه ای نوشتند و اعتراض کردند که جبهه ملی تشکیلاتی است که از نیروهای ملی و احزاب ملی تشکیل می شود که برای تحقق بخشیدن به چند اصل که برای استقلال و دموکراسی ایران ضروری است با هم توافق داشته باشند، ایدئولوژی و برنامه خودشان را بعداً داشته باشند و وقتی انشاءالله پیروز شوند به ملت ارائه می دهند. مردم هر ایدئولوژی و هر برنامه ای را که مایل باشند انتخاب می کنند. این مجموع نامه شادروان مصدق بود. در آن شرایط بی لطفی شده بود نسبت به نیروهای ملی و احزاب و ایشان هم این اعتراض را کردند. احزاب همه انتخاب شده بودند همه در شورا بودند همه در کنگره موفق شده بودند ولی این نظر نظری نبود که نظر شادروان مصدق و به نفع ملت و نهضت ملی باشد ایشان اصرار کردند. رجال و شخصیت‌های ملی هم که حضور داشتند، جوابی دادند و باز ایشان تاکید فرمودند و نتیجه اش این شد که دوستان همانطور که فرمودند گفتند پس ما فعلاً کنار می نشینیم و مرحوم مصدق، مرحوم باقر کاظمی را مامور کردند که جبهه ملی کارش را ادامه دهد. جبهه ملی سوم از آن تاریخ تشکیل شدو در این جبهه احزاب ملی شرکت فعالانه داشتند و مبارزه کردند شادروان اردلان و مرحوم موسوی شرکت کردند. از حزب مردم ایران مرحوم نخشب و بنده شرکت داشتیم و از طرف نیروی سوم آن موقع آقای عاقلی زاده شرکت داشتند و از بازار

شخصیت‌هایی بودند مرحوم حاج قاسمیه، راسخ افشار همه اینها شرکت داشتند و در اصناف و محلات آقای شاه حسینی شرکت فعال داشتند. خواستم اصلاح مختصر شود که گفتند یک جلسه بیشتر تشکیل نشد ادامه پیدا کرده، جبهه ملی سوم تا سال ۴۴ و در آن شرایط که دستگاه یورش آورد و همه را توقیف کرد در سال ۴۴ اینجا پایان سال ۴۱ تا سال ۴۴ ادامه پیدا کرد. من خواستم اصلاح تاریخی شود.

جواب دکتر موسویان:

در پاسخ به اظهارات آقای حسین راضی رئیس هیئت اجرائیه جبهه ملی مطالبی بشرح زیر ایراد نمود.

عرض شود که جناب راضی، یک قدری در تاریخ اشتباه کردند برای اینکه سال ۴۱ سالی است که کنگره جبهه ملی تشکیل شد و شورا را انتخاب کرد و آن شورا تا دوسه سال بعد از کنگره هم فعال بود و در سال ۴۳ بود که آن نامه آخری به آقای دکتر مصدق نوشته شد و گفتند ما کنار می مانیم تا رهبر بزرگ تصمیم بگیرد چه باید کرد. و بنابراین جبهه ملی سومی که می فرمایند از ۴۱ بوده تا ۴۴ اصلاً چنین چیزی نبوده، ۴۱ جبهه ملی دوم کاملاً فعال بود و کنگره اش را تشکیل داد و تا اواسط سال ۴۳ به فعالیت خود ادامه داد. جبهه ملی سوم هم که می فرمایند آقای کاظمی دعوت کردند واقعا شورایش بیشتر از یک جلسه تشکیل نشد و نمایندگان چند سازمان آمدند و نتوانستند با هم تفاهم کنند و پاشیده شد و این چیزی است که همه می دانند. البته اینکه این توقف جبهه ملی و نبودن این سازمان مقتدر از سال ۴۳ تا سال ۵۶ چه نتایجی به بار آورد و چه صدماتی از این رهگذر به آینده ملت ایران وارد گردید مطلبی است که باید در آینده و در شرایط مناسب بررسی شود تا معلوم شود نامه پراکنی های گروه گرایانه و خودخواهانه برخی به دکتر مصدق چه نقشی در این توقف داشت و چطور به سرنوشت و تاریخ این کشور لطمات جبران ناپذیر وارد نمود و اما در مورد نقش احزاب، هیچ کس منکر لزوم احزاب ملی و اینکه تکثیر پیدا کنند و تعدادشان زیاد بشود نیست و ما استقبال می کنیم از اینکه هر تعداد حزب ملی و وطن خواه و آزادی خواهی بوجود بیاید و اصولاً تحزب پایه دموکراسی است و بدون حزب دموکراسی معنا و مفهومی نمی تواند داشته باشد ولی سازمان جبهه ملی از ابتدا یک سازمان استثنایی بوده است. جبهه، آن گونه که در فرهنگ سیاسی شناخته می شود این است که چند حزب می آیند سر مشترکاتی موقتاً با هم ائتلاف می کنند مثلاً در انتخاباتی با هم ائتلاف می کنند و بعد هم که به نتیجه رسیدند از هم جدا می شوند و می روند دنبال کارشان. جبهه ملی از اول ساختارش اینگونه نبوده و خوشبختانه به عنوان یک سازمان سیاسی مادر، در ایران جا افتاده و از این لحاظ نباید بگوییم

مطابق آنچه که معنی جبهه در دنیا است این همان جبهه است اینطور نیست، در این جبهه شخصیت‌های ملی بودند احزاب بودند اصناف بودند و کمیته‌های مختلف صنفی حضور داشتند و در حقیقت بنا به توصیه آقای دکتر مصدق کنگره و اساسنامه‌ای که از کنگره بیرون آمد چارت تشکیلاتی را طوری تنظیم کرد که نظر ایشان رعایت شده باشد یعنی اگر چارت تشکیلاتی را بصورت صنفی ریخت مثل سازمان پزشکان ، سازمان مهندسين، سازمان کارگران، سازمان کارمندان و سازمانهای دیگر که کلاً ۱۶ سازمان هستند به جهت رعایت نظر آقای دکتر مصدق بود که میخواست جبهه ملی از احزاب و اصناف و جمعیت‌ها تشکیل شود چون هر یک از این سازمان‌های صنفی می‌توانند نقش یک جمعیت و حزب را داشته باشند بنابراین در فرم تشکیلاتی جبهه ملی نظر آقای دکتر مصدق رعایت شده منتهی مسائلی که پیش آمد به فرم دیگری بود که نه فرصت است و نه جایش در این جلسه است که مطرح شود.

سخنران بعدی آقای حسین شاه حسینی عضو شورای مرکزی جبهه ملی بود که سخنان خود را اینگونه آغاز کرد:

بنام خداوند هستی بخش

اکنون که در خدمت آقایان هستم از کنگره اول جبهه ملی که در منزل مرحوم حسن قاسمیه بوده در اینجا چهره‌هایی را می‌بینم و باعث خوشبختی و همچنین امیدواری من است که می‌تواند این تفکر و جریان ادامه پیدا کند و سالهای سال در این مملکت بقاء و دوام داشته باشد و بتواند افکار آزاد اندیشانه شادروان مرحوم دکتر مصدق را که پایه و مایه زیربنای افتخار این مملکت است ادامه بدهد اکنون استدعا می‌کنم از تمام آقایانی که چکیده‌های ملی این مملکت هستند و در اینجا تشریف دارند بیاد شادروان مرحوم دکتر مصدق و شهید راه قلم دکتر حسین فاطمی و همچنین شهید مبارز کریم پور شیرازی و شهید آزاداندیش مرحوم دکتر سامی که در کنگره اول جبهه ملی ایران عضویت داشتند چون جبهه ملی مجموعه ایست از تمام احزاب و آزاداندیشان و تمام گروه‌هایی که در این راه قدم بر میدارند و همچنین رفیق عزیز و اندیشمند چون داریوش فروهر و پروانه فروهر بپا بایستید و ادای احترام کنند و با فاتح‌ای روح آنها را شاد بگردانند (فاتحه) بسیار سپاسگزارم انشاءالله اگر منبر من چند دقیقه‌ای اضافه شد جناب رئیس محترم اجازه می‌دهند چون من سخنران و سخنور نیستم که بتوانم همه را جمع کنم در یک جمله بیاورم جملاتم طولانی می‌شود ولی باید حالا توجه داشته باشیم که در این مدت که از کنگره اول جبهه ملی می‌گذرد تا به الان تا بحال ما رجال و اندیشمندان زیادی را از دست داده‌ایم که هر کدام آنها اسوه تقوا بوده‌اند و افتخار جبهه ملی

این است که آقایان توجه داشته باشند در کادری و در نیرویی هستند که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ دستگاه محمدرضا شاهی خیلی کوشش کرد که آنها را هم آلوده بکند و حتی پرونده‌ای برای آنها پیدا بکند ولی خوشبختانه در تاریخ حتی بعد از پیروزی انقلاب هم نتوانستند برای همکاران جبهه ملی و یاران شادروان دکتر مصدق حتی کوچکترین نقطه ضعفی پیدا بکنند و تحت عنوان نقطه ضعف آنها را به پای محاکمات بکشانند و در نتیجه آن تفکر ملی گرایانه آنها را آلوده بکنند این افتخار جبهه ملی است شما هر حزبی و هر گروهی هر دسته‌ای که در ایران تشکل پیدا کرد آمدند بعد از مدتی درباره آنها تحقیقاتی کردند و در آن تحقیقات بالاخره به نقاط ضعفی رسیدند ولی در مورد دکتر مصدق و یاران دکتر مصدق چه از نظر قضایی و چه از نظر مالی و چه از نظر فرهنگی به هیچ وجه من الوجوه چرا چون عناصر پاک عمل و سالم و صادق در اینجا جمع بودند و همه بر مبنای آزاداندیشی و ملت‌گرایی و ملت دوستی قدم برداشتند حق است در اینجا ما از بنیان‌گذار اصلی نهضت مقاومت ملی که ادامه دهنده راه شادروان دکتر مصدق بود یاد بکنیم چون بعد از ۲۸ مرداد توقف کامل پیدا شد از دوسه روز بعدش مرحوم آیت الله حاج سیدرضا زنجانی که مرد متفکر مذهبی بود و همچنین شاید آقایان یادشان رفته باشد مرحوم دکتر عبدالله خان معظمی که این شخصیت رئیس مجلس در زمان دکتر مصدق بود و علاوه بر این از یاران باوفای دکتر مصدق با تمام امکاناتی که داشت و تمام نامه‌ها و اعلامیه‌ها نشریات روزنامه‌هایی که در نهضت مقاومت ملی ایران این که من دارم عرض می‌کنم به تصدیق دوست همگامان آقای میرمحمدصادقی که تشریف دارند من مدت‌ها افتخار آن را داشتیم که انتشارات نهضت مقاومت ملی را انجام می‌دادم تمام این نشریات به نظر دکتر عبدالله خان معظمی می‌رسید و او تنظیم کننده خط سیاسی نهضت مقاومت ملی بود بعد از کودتای ۲۸ مرداد که حق در این است که آقایان فراموش نکنند نقش او را. عبدالله خان معظمی یک آدم استثنایی بود با تمام آن علم و دانش و فضیلتی که داشت در خدمت تفکر دکتر مصدق بود حق بر این است که برای او هم طلب مغفرت بکنیم و هم یادآوری خدمات او در عین حال ما می‌بینیم که جبهه ملی ایران دارای شخصیت‌هایی چون الله‌یار صالح بود که به دفعات مورد توجه شاه قرار گرفت و حتی در خاطرات بعضی از آقایان رجال که من می‌بینم ذکر شده که حتی آخرین روزی که از آمریکا بر می‌گشت موقع خداحافظی به او پیشنهاد شد که آقا شما باشید سفیر کبیر دولت ایران اظهار می‌کند من به دفعات که از این پله‌ها آمدم بالا بنام سفیر دکتر مصدق آمدم نه بنام سفیر کبیر دولت کودتا از این جهت این چهره‌ها به ما درس داده‌اند آموزش داده‌اند که در این گروه با این تفکر اگر بتوانیم خدمت خودمان را قربتا الی الله انجام می‌دهیم نه اینکه پستی در

اختیار بگیرند ولی این آقایان زیر بار نرفتند آقای محمدرضا اقبال نماینده دوره ۱۷ که بعضا در تشکیل جبهه ملی بعد در خدمت آقایان بود یا شما می‌بینید همین آقایان با کهولت سن وقتی می‌بینند منافع ملی مملکت در خطر است بدون اینکه شخصیت‌های علمی جناب ادیب و سایرین که شخصیت‌های علمی ما بودند شخصیت‌های دانشگاهی ما چه آقای دکتر آذر چه آقای دکتر سنجابی چه آقای دکتر صدیقی همه اینها می‌روند در قالب منافع ملی، منافع شخصی خود را فدای منافع ملی می‌کنند و می‌روند متحصن می‌شوند در مجلس سنای کشور و ایجاد حرکت می‌کنند یک بازار تهران را به حرکت در می‌آورند دانشگاه را به حرکت در می‌آورند در مقابل مسائل انتخاباتی به دفعات اینها مورد هجوم و بی‌حرمتی قرار گرفته‌اند و هم مورد توطئه‌هایی ولی باز هم مقاومت کردند و با این مقاومت سرسختانه آنها در کنار تفکر آزاداندیشانه دکتر مصدق باقی ماندند. دکتر مصدق شخصیتش و تفکرش در حدی بود که می‌تواند آن اثرات باطنی را در دل مردم بگذارد ما کاری نکردیم می‌بینید در خفقانی که این نظام ایجاد کرد و ما را همه را مرتد اعلام کرد و طرفداران دکتر مصدق و طرفداران این تزار حتی بدفعات که مرا به زندان انداختند بعد از انقلاب، در عین حال که اکثر اینها را من می‌شناختم به من اتهام بی‌دینی و لامذهبی می‌زدند در عین حال که بعضی از اینها در زندانها پشت سر خود من نماز خوانده بودند و توی خانه من غذا خورده بودند ولی در عین حال به دلیل اینکه منافعشان به خطر افتاده بود در این حد نشان می‌دادند که از راه اتهام بی‌دینی شاید دکتر مصدق و طرفدارانش از صحنه خارج شوند ولی چون حقیقت داشت تفکر دکتر مصدق ما اینجا جمع هستیم و در این شرایط باز هم به همان تفکر حرف می‌زنیم در نقاط دور افتاده مملکت و دانشگاههایی که در بعضی مواقع به من افتخار می‌دهند که اجازه می‌دهند من آنجا بروم صحبت کنم به جوانان می‌گویم که هر کدام این آقایان که در شورای جبهه ملی گذشته حتی در شورای جبهه ملی فعلی هستند بدفعات مورد عنایت حکومتها قرار گرفتند و حتی برای شغل‌های بسیار بالا ولی همه بدلیل اصالت فکری بدلیل آن اعتمادی که به مردم داشته‌اند که راه مردم را بروند همه از قبول پست‌ها سرباز زده‌اند.

برای صالح‌ها- صدیقی‌ها- سنجابی‌ها- آذر‌ها- حسینی‌ها- زیرک‌زاده‌ها که هر کدام اینها اسوه‌هایی در تاریخ این مملکت هستند متأسفانه نسل موجود آن‌طور که باید و شاید اینها را نشناخته و هنوز هم نمی‌داند چه گوهرهایی را از دست داده است. همین مرحوم شادروان دکتر بختیار که شما می‌بینید و آن تلاش آزادی خواهانه را کرده تلاش کرده اعتقادی داشت و آزاداندیش بوده اعتقاد داشته که شاید بتواند در این راه مملکت را نجات دهد من شخصا با ایشان در اتحاد نیروها کار می‌کردم قصد خیانت نداشته قصد خدمت داشته ولی دچار این بحرانها شده

است واقعا علمائی که در جبهه ملی بوده‌اند طالقانی‌ها آقا سید محمدعلی انگجی که ذکر خیرش در اینجا بود چه آقای جلالی موسوی و چه مرحوم شادروان شبستری چه مرحوم حاج ضیاءالدین حاج سیدجوادی اینها شخصیت‌های کم‌نظیری بودند وقتی شما می‌بینید حاج سید جوادی می‌آید اینجا رفیق دیگرش در قزوین که وکیل همان دوره ۱۷ بود به او پیشنهاد می‌کنند او تسلیم می‌شود و بعد تولیت مدرسه سپه سالار را به او می‌دهند و پسرهایش را می‌فرستند از اینجا به فرنگ تحصیلات عالی می‌کنند و می‌آیند در این مملکت ولی حاج آقا ضیاءحاج سیدجوادی در عین حال که فقط زندگیش از راه تبلیغ مذهب می‌گذشت ایستاد و مقاومت کرد و تسلیم حاکمیت نشد و نظریات و تفکرات دکتر مصدق را اعمال می‌کند جوانان که سنشان در حد مبارزات دکتر مصدق نیست ولی آنچنان شیفته و شیدا هستند که حتی حد و حصری برایشان نیست این اصالت است و صداقت و پایبندی آن مردم را به تفکر دکتر مصدق می‌رساند تمام رهبران جبهه ملی چه کسانی که بیرون کنگره بودند آنهایی که بعد از کنگره آمدند و آنهایی که در این تجدید فعالیت جبهه ملی در آستانه انقلاب همکاری کردند همه آنها خدمتگزاران جبهه ملی و اهداف دکتر مصدق هستند یادمان باشد که راه دکتر مصدق راهی است که این ملت را نجات می‌دهد راه مردم سالاری در هر شرایطی راه نجات بخش این ملت است و این تنها راه را اگر ادامه دهیم انشاءالله موفق می‌شویم و من یک آدم ۷۴ ساله که در راه این مبارزات زحمتها کشیدم آقایان وجدانا و اخلاقا چون چکیده پاکان این جمعند زمانی که می‌خواهید رای دهید هوای نفس را بگذارید کنار فقط خداگونه فکر کنید و علاوه بر این در قالب مسئولیت فکر کنید و به کسانی رای دهید که آمادگی اجرای این اهداف شادروان دکتر مصدق را داشته باشند و آماده باشند منافع خودشان را فدای منافع ملت ایران بکنند به همه آنهایی که در راه جبهه ملی تلاش و کوشش کرده‌اند رای بدهید.

پس از سخنرانی آقای حسین شاه حسینی به مدت یک ربع ساعت تنفس و استراحت اعلام شد و پس از تنفس آقای دکتر پرویز ورجاوند عضو هیئت رهبری جبهه ملی سخنرانی خود را به شرح زیر ایراد نمود:

با تلاش شمار بسیاری از دوستان بویژه چهره‌هایی که شاید برای برخی کم شناخته باشند توفیق بدست آمد که این نشست را ما بر پا کنیم من به سهم خودم از یکایک آن کسانی که در برپایی این نشست تلاش مؤثری داشتند تشکر می‌کنم و از سرور گرانقدر آقای مهندس موحد به اعتبار اینکه امکان برپایی این نشست را با وجود همه مسائل و مشکلات در منزلشان فراهم کردند صمیمانه سپاسگزارم. من فکر می‌کنم بحثی را که بر عهده من گذاشتند نمی‌دانم واقعا شرایط خستگی سروران عزیز خانم‌ها و آقایان تا چه حد اجازه می‌دهد که همچنان به

یک مسئله گسترده من بپردازم که بعید است بنابراین ناگزیرم از این خواهم بود که آنچه را که باید به عرضتان برسانم در فشرده‌ترین زمینه‌ها بیان بکنم خیلی دلم می‌خواست فرصت بود و ما در تنگنای زمان نبودیم و دست کم این پلنوم را در دو روز برپا می‌کردیم چرا؟ چون می‌خواستیم این توفیق را پیدا کنیم که بر خلاف بسیاری از جریانها و سازمانهای سیاسی که وقتی پلنوم یا کنگره‌ای را برپا می‌دارند همه حرف و سخن در جهت بحث کردن از توانمندیها و نقش آفرینی‌ها است این فرصت به دست داده می‌شد که نقدهای گسترده‌ای هم به یک جریانی که جریان مادر است امروز در ایران صورت بگیرد به دلیل اینکه تصور من این است که با آن ذهنیتی که دست کم حول و حوش ۵۵ سال از آغاز فعالیتهایم تا به حال داشته‌ام تصور می‌کنم بر مبنای هر بررسی در ایران کمتر سازمانی را می‌توان نام برد که از آغاز فعالیت تاریخی خود با آبرو حضور یافته و با آبرو به کار خود ادامه داده باشد و جبهه ملی چنین بوده است اما این امر نفی نمی‌کند نقدی را که بر این جریان می‌تواند وجود داشته باشد و حرمت دکتر مصدق و کسانی که در کنار او بوده‌اند در نهضت ملی ایران نافی این موضوع نیست که به نقد عملکردها بپردازیم. تا گامهای بعدی را با شناخت گسترده‌تر و با جرأت بیشتری برداریم از جمله سالهای ۵۶ و ۵۷ و تاکنون باید مسائلی ارزیابی شود. مسائلی را باید شکافت و راه حلی ارائه داد در طی این ربع قرن از سال اول انقلاب ملت ایران از گذاری عبور کرده، آئین و مذهب مردم در ارتباط درونی برای پالوده کردن روح انسانها و بیداری و کسب وجدان آگاه موقعیتی یافته کسانی که در کسوت روحانیت هر مملکتی می‌خواهد باشد سکان را بدست گرفتند که شاید نمی‌بایستی چنین می‌شد. امروز مردم از جهانی یک دست ترین تفکر و خواسته را دارند ملت با آگاهی منافع ملی و منافع جامعه خود را می‌خواهد ملت می‌داند که حکومت دین سالار نمی‌تواند منافع ملی ایران را تأمین کند از طرفی بیش از یازده میلیون جمعیت اهل تسنن را نمی‌شود نادیده گرفت، از توانمندی مردم باید آگاه شد و از آن بهره گرفت. در اقتصاد از نقطه نظر مالی از ۴۸۰ میلیارد دلار فروش نفت بیلان به مردم داده نشده است. باید پاسخ ملت را بدهند. مگر می‌شود مجلس داشت که از صافی گذشته شکل گیرد. ما دنبال جبهه ملی و اهداف آن هستیم که اهم آن حاکمیت ملی است تمام قدرت و مطلبی که یک جامعه با نیروی ملی و حکومت ملی بخواهد در آن وجود دارد. ما معتقد نیستیم از هر شیوه و اقدامی که برای استقرار حاکمیت سرزمین را آشفته و نابسامان کند بهره گیریم. از جمله مسائل ۱۴ میلیارد دلار از دست داده شد و بیانیه الجزایر امضاء شد. در تمام موارد تعریف روشن از منافع ملی بدست داده نشد. در جریان پایان جنگ جام زهر وقتی نوشیده شد که همه ملت ایران هنوز قطراتی در کام دارند، در جریان فروپاشی اتحاد شوروی بزرگترین

فرصتی بود که ایران بتواند حرکتی بنیادین را انجام دهد و صاحب موقعیتی شود ولی این فرصت از بین رفت. برای این ممالک پیامی از جهت فرهنگ داده نشد. در آغاز فروپاشی ۶۵٪ آسیای مرکزی با ایران بود و در نهایت درد و رنج دلان سلطه گران فرصت را به اختیار ترکیه و سایر کشورها گذاردند. در مورد پروتکل حاکمیت اشتباه بزرگی بمنظور تثبیت موقعیت خود کرده. پروتکل را ما باید نظیر ۸۰ کشور دیگر که به NPT پیوسته‌اند می‌پیوستیم ولی نه تنها ما به پروتکل نیپیوستیم که ناگزیر هم شدیم به آنچه دول غرب می‌خواستند بپیوندیم تا بتوانند در بهره‌گیری از اورانیوم غنی شده و فن آوری سوخت سهیم باشند و این یک مانور نابخردانه بود. در مورد آذربایجان که صحبت کردند باید به نیروی جوان اشاره‌ای داشته باشم منظور نیروی جوان زیر ۳۵ سال است که باید گام‌هایی برداریم و در این زمینه اصولاً ما توفیق زیادی در مناطق داشته‌ایم بجاست از حضور آقایان باوند، رشیدی و زعیم و سایر آقایان یاد کنم. اینک جبهه ملی به این مسأله حرکت به جوان‌گرایی و جذب جوانان به عنوان یک مسأله اساسی می‌نگرد.

نکته دیگر آنکه با تصمیمی که هیئت رهبری گرفت و شورا نیز در جریان بود و تصویب کرد جلسات متعددی حدود ۵ جلسه داشتیم و تلاش کردیم از تمام سازمان‌های سیاسی ملی که در گذشته عضو جبهه ملی بوده‌اند و حالا نیستند دعوت کرده، نشستیم و صحبت کردیم و در نشست اخیر در بهار امسال آخرین سخنان ما این بود که اگر نمی‌خواهید در یک جریان سامان یافته حضور یابید دست کم موافقت کنید ما هرماه یک بار در جمعی بنشینیم و مسائلی را در میان بگذاریم، از حال هم باخبر باشیم ولی با تمام کوشش و تأثرات ما این تلاش راه بجائی نبرد ولی باز جبهه ملی این روند را دنبال خواهد کرد و سعی خواهد کرد در مسیر همه نیروهای ملی گام بردارد.

سپس آقای ادیب برومند اظهار داشتند سخنرانی آقای دکتر ورجاوند بسیار پر محتوا بوده و امیدوارم حضار محترم توجه دقیق داشته باشند و نکات مهم آنرا عنایت کنند آقای ادیب در ادامه گفتند چند نفر که اسم نوشته‌اند بیایند پشت تریبون و مطالب خود را بیان کنند. در این هنگام آقای مهندس عزت‌زاده پشت تریبون قرار گرفتند و گفتند: بنام خداوند جان و خرد به یاد ملت ایران و به یاد دکتر مصدق و با درود به یاران و شهدای راه آزادی و شهدای ۳۰ تیر و با بوسه بر دستهای بریده و پاهای قطع شده، اگر امروز نام مصدق را برای ملی شدن نفت نام می‌بریم ولی اوضاع ایران بدون نفت هم می‌تواند برقرار باشد. ولی آنچه نام ایشان را بلندآوازه کرده است برای آزادی است که بدون آزادی هیچ ملتی نمی‌تواند زندگی با افتخاری داشته باشد امروزه ملت ایران هر جا باشد نام مصدق را گرامی می‌دارند و سرود ای ایران را

می‌خوانند. از شما می‌خواهم که امروز از این پرتگاه به خوبی رد شویم و شما به کسانی رأی بدهید که از مناطق، شهرها و اصناف مختلف باشند تا در مورد افکار مصدق در تمام اکناف موفق باشیم.

آنگاه آقای دکتر مینو با نام خدا و با درود به بنیان‌گذار جبهه ملی ایران اظهار داشتند در پی سخنان آقای ورجاوند می‌خواهم بعضی مسائل را که برای ملت ایران وجود دارد بیان کنم و این را تذکر دهم که مردم اغلب شاید از ما در طرز تفکر جلوتر باشند و حداقل می‌دانند جبهه ملی اصول عقایدش چیست؟ و چه می‌تواند بکند جبهه ملی باید به این مردم پاسخ دهد. آیا این طور نیست که عده‌ای فرصت طلب وارد معرکه شده‌اند و امروز مردم آگاه هستند و جبهه ملی مورد حمایت اکثریت جوانان هست آیا نباید دیگران از اشتباهات خودداری کنند و مسأله فرهنگ و دین را که مطرح کرده‌اند ما دیدیم که حتی به ملت ایران توهین شده است که این ملت وحشی بودند و طالب سواد نبودند آیا این توجیهی است برای دین و تبلیغ مثبت است؟ آیا ملتی که فرهیخته نیست می‌تواند دین را قبول داشته باشد؟ ما امروز در جایگاهی هستیم که همه به ما امید بسته‌اند و نباید دچار اشتباهاتی بشویم، افرادی را با خود همراه کنیم که هدفشان شخص خودشان است نه مردم و هدف و آرمان.

آنگاه آقای دکتر صحافیان سخنران بعدی به سخن پرداختند: به نام ایزد دانا و درود بروان دکتر مصدق. درود به امیرانتظام و خانم عبادی ایشان افزودند در کشور ما دو قشر از همه مهم‌ترند یکی خانمها و یکی جوانان زنان شایستگی‌های بسیاری پیدا کرده‌اند در تمام N.G.Oها شرکت می‌کنند واز حقوق خود دفاع می‌کنند اگر می‌خواهید جوانان این چراغ را روشن نگه دارند مثل حالا شما کاری کنید که این چراغ روشن بماند. من از خانم افشار که یک محقق دانشگاه هستند می‌خواهم تحقیق کنند چرا حضور خانمها در جمع ما کم‌رنگ است. خواسته‌های ما عدالت، آزادیهای معقول، حکومت دموکراسی است و حال که می‌خواهیم این پروتکل را بوجود آوریم من چراغ گفته شده آقای خرمشاهی را قبول ندارم من نور زیاد و خورشید را می‌خواهم فقط تأکید می‌کنم بازنگران در اساسنامه ما باید در جهت دموکراتیزه کردن خود جبهه ملی باشند باید از داخل دموکراسی را شروع کنیم. دیگر آنکه افرادی را انتخاب کنید که واجد این مشخصات باشند: صداقت، سوابق سیاسی روشن، تحلیل از اوضاع، شجاعت.

آقای حاتمی سخنران بعدی بودند که با درود به هم‌زمان عزیز اظهار داشتند حضور آزادیخواهان و اندیشه آزادی در ایران سابقه تاریخی و مفصل دارد مبارزه با خارجی تا انقلاب مشروطه ادامه داشت بعد از فتحعلیشاه حاکمیت سفارتخانه ایجاد شد. ناصرالدین شاه در کنار

سفیرهای روسیه و فرانسه به ایران آمد. قشری به عنوان روشنفکر وارد صحنه سیاسی جامعه شد و انقلاب مشروطه وقتی بوقوع پیوست که وضعیت جهانی مساعد بود. وقتی نیروی سیاسی روسیه کم شد عده‌ای مسأله مشروطیت را با مبارزه با مظفرالدین شاه بدست آوردند بعد از آنکه دیدند حکومت قانونی در ایران نهادینه خواهد شد کودتا را علم کردند و حکومت دیکتاتوری در جامعه ما بوجود آمد و در سال ۱۳۲۰ قشون خارجی باعث شد از دیخواهانی که در تبعید بودند به ایران برگردند تا کشید به ملی شدن صنعت نفت جنوب و نفت شمال را نیز به روسیه ندادیم متعاقب آن کودتائی دیگر بوجود آمد و ۲۵ سال کشور ما را تحت سیطره خودشان گرفتند.

دموکراسی امروزه به عنوان یک اصل مردمی پذیرفته شده است مذهب از حالت دگم‌اندیش درآمده است امروزه خانمها و جوانان در صحنه هستند بخصوص خانم عبادی که اینروزها به عنوان جایزه صلح نوبل مطرح گردیده است این حرکتی بوده است که در نیمی از افراد کشور ما تأثیر مثبت دارد. باید بگویم اینکه امروز ۸۱ نفر از سراسر کشور به تهران آمدند خود موضوع مهمی است که باید در خور توجه محسوب شود.

سخنران بعدی آقای اصغر فنی‌پور بود که اینگونه آغاز به سخن نمود:

با سلام چندباره خدمت خانمها و آقایان عزیز

بنده به مناسبات اینکه بلاانقطاع درطول این مدت مخصوصاً از ۲۵ خرداد ۶۰ به بعد در این تشکیلات و تحت نظر این شورا فعالیت کردم یک مقدار انتقادات دارم. می‌خواهم اینها را بگویم که در آینده اصلاح شود. همه آن دردها را کشیدیم ولی ادامه دادیم و به قول بعضی از دوستانمان پوستمان خیلی کلفت و کنار نمی‌رویم، کوتاه هم نمی‌آئیم.

خدمت شما عرض کنم همانطور که آقایان گفتند و تکرار شده جبهه ملی تشکیل شده از مجموعه احزاب و صنوف مختلف، مخصوصاً روی احزاب که حسابشان مشخص است و کارهای تشکیلاتیشان را انجام می‌دهند. اصنافی که در جبهه ملی عضو هستند اینها تشکیلاتی دارند و در این تشکیلات دو دسته وجود دارند: یک دسته محفل نشینند و یک دسته تشکیلاتی.

بنده همانطور که نسبت به اهداف جبهه ملی سعی کردم که این کارها را انجام دهم و عاشق بودم در تشکیلات هم عاشقم، دوست دارم تشکیلات خیلی منظم و مرتب بدون اینکه کوچکترین حرکتی علیه‌اش یا چوبی لای چرخش برود کارش پیش برود و این حرکت به مناسبتی که بعضی مواقع اصرارهایی که شده در جهت محفل نشینی بوده تضعیف شده و کارها انجام نشده. من فکر می‌کنم که برای آینده در آن اساسنامه و یا تنظیم و تشخیص خط مشی باید این موقعیت مشخص شود که باید محفل نشین باشیم یا تشکیلاتی. تشکیلاتی لازم

است یا نه؟ رسماً می‌گویم اگر تشکیلاتی لازم است همه تابع تشکیلات باشند و این تشکیلات را تقویت کنند، در هر شرایط و موقعیتی که هستند البته نارسائی‌های زیادی بوده از قبل ولی این یک چیزی بوده که باعث تضعیف این تشکیلات جبهه ملی شده است.

از ۲۵ خرداد ۶۰ تا حالا تمام کارهایی که وجود داشته از لحاظ تدارکاتی مسئولیتش را قبول کردم و سعی کردم بدون عیب و نقص انجام دهم. حالا شاید عیب و نقص هم داشته باشد، فعالیت‌مان هم در گروه اصناف بوده و جزء کمیته اصناف بودیم ولی با مسئولیت محلات در کمیته تشکیلات هم حضور داشتیم به همین جهت یک مقدار اطلاعات بیشتری در تمام زمینه‌ها داشتیم که ضعف‌های زیادی دیده شده که همین دو مورد را پیش کشیدیم که آقایان این مسایل را توجه داشته باشند.

آنگاه آقای دکتر نقی پور اظهار داشتند با نام ویادبزرگمرد تاریخ معاصر ایران، دکتر محمد مصدق. بنده یک پیشنهاد دارم، تعدادی از دوستان از شهرستانها آمده‌اند وعده‌ای کاندیدای عضویت در شورا هستند یا فرصت داده شود خودشان را معرفی کنند یا از اعضاء هیئت مدیره آنها را معرفی کنند. سپس ایشان به شرح واقعه‌ای پرداختند که مدیریت شرکتی برای استخدام دختر ایشان سؤال کرده است پدر شما چه کار و پیشه‌ای دارند و می‌بایستی ورقه‌ای را پر می‌کرده است در آن نوشته است پدر من عضو جبهه ملی ایران است. مسئول مربوط می‌گوید جبهه ملی همه پیروند و در حال رفتن و این برای من دردناک بود جوانها باید کوشش کنند جایگزین شوند و همچنان که ما در صحنه بودیم و جبهه ملی را تا امروز نگه داشتیم آنها هم فعالیت کنند و این حرکت تاریخی را به جایی مثبت برسانند.

سپس آقای عبدالحسینیان با مقدمه‌ای از تجلیل از دکتر مصدق و اهداف والای او گفتند از آینده‌سازان جوانترین حزب ایرانی هستیم که زیر سخت‌ترین فشارها از طرف حاکمیت بوده‌ایم ایشان با اشاره به قتل‌های زنجیره‌ای و اینکه بقول ایشان وزارت اطلاعات در این موارد کمتر از خودش هزینه کرده است ادامه دادند در جریاناتی من دستگیر و مشکلات فراوانی برای دوستان و یارانمان بوجود آمد در مورد انتشار نشریه فریاد آزادی تحت فشار قرار گرفتیم برای مهران گودرزی حکم دستگیری آمد در ضمن به تفتیش منزل او پرداختند.

در طی زمان برای دوستان دیگر ما مسائلی پیش آمده است. در استان فارس به ناصر سفری و به تعدادی دیگر فشارهایی وارد شد. مسئول آذربایجان را از دادگاه انقلاب احضار کردند و برای او دو ترم تعلیق زدند. فعلاً حزب آینده‌سازان به فعالیتهائی مشغول بوده برای برگزاری همایشهایی به فعالیت گسترده اینترنتی پرداخته است.



دو صحنه از سالن برگزاری پلنوم جبهه ملی ایران



صحنه هانی از جلسه پلنوم

در این هنگام آقای فرهاد بیشه‌ای بعنوان پیشنهاد اظهار داشتند بهتر است در مورد سخنرانی‌ها کسانی که سؤالاتی دارند مطرح کنند. آقای ادیب برومند در پی این پیشنهاد گفتند اگر کسی سؤالی دارد می‌تواند عنوان کند.

آقای مهندس یکتا سؤال خود را اینگونه مطرح ساختند:

صحبتی که من اینجا دارم طرح سؤال است همه آنچه که تا بحال مطرح شده در واقع وقایعی بوده که در گذشته بود و یا به قولی ذکر مصیبت بود، وقتی که ما با مردم مواجه می‌شویم سؤال می‌کنند که در این اوضاع بحرانی مملکت و منطقه و در رابطه با جهان، اروپا و آمریکا چه باید کرد به این چه باید کرد باید در این جمع جواب داده شود که این جوابهایی که در بیرون ما به مردم می‌دهیم یکدست باشد. به عبارتی دیگر وقتی از گذشته صحبت می‌کنیم خیلی خلاصه اما وقتی می‌خواهیم به آینده بپردازیم باید مسئله را در آنجا باز کنیم و مسئله را تحلیل کنیم. اوضاعی که الان در کشور ما پیش می‌رود خیلی حساس‌تر از آن است که در طول تاریخ ما دیدیم. سه بار در این دوران اخیر یک بار در رابطه با گروگان‌گیری که غلط بود و نتیجه غلط هم گرفت اصل مسئله غلط بود رفتیم بیانیه را امضاء کردیم دومین بار جنگ بر ما تحمیل شده بود تا فتح خرمشهر آن را ادامه دادیم باز هم به غلط هم جام زهر خوردیم. مرحله سوم این پرتگل است ما با خفت امضاء کردیم ما حقمان بود به فناوری هسته‌ای دست پیدا کنیم. ببینیم در آینده اروپا چه نظری خواهد داشت ما چه موضعی باید بگیریم در رابطه با مسائل آینده مملکت در رابطه با انتخابات خوب اگر آقایان تحلیلی دارند در این رابطه خوب ارائه بدهند اگر نداشته باشند خوب من در رابطه با اروپا دارم.

سخنران بعدی آقای زندیان سخنانی به شرح زیر ایراد داشتند :

با عرض سلام و احترام خدمت حضار محترم من برای اینکه وقت شما را زیاد نگیرم و به حاشیه نروم مطالبم را یادداشت کردم وضع اسفبار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که الان در کشورمان موجود است و همگان تصدیق دارند که این وضع نتیجه انحصارطلبی عده‌ای است که مردم ایران را به دو دسته اقلیت خودی و اکثریت غیر خودی تقسیم کرده‌اند. جبهه ملی می‌بایست به اعتبار ۵۵ سال مبارزه در راه مردم سالاری نماینده و طرز تفکر مخالف با این شیوه و این تقسیم مردمی و این انحصارطلبی باشد که عملاً ناشایست است و خواهد بود ولی متأسفانه جلسه امروز که تحت عنوان پلنوم برگزار شده ما می‌بینیم که عملاً نمی‌تواند نمایندگی کند این طرز فکر را، جبهه ملی نه تنها می‌بایست در خود را بروی همه نیروها و احزاب ملی باز می‌گذاشت بلکه با فعالیت پیگیر در راه تشکیل یک جبهه فراگیر ملی کوشا بود و این بخاطر اینکه یک نیروی منسجم در نیروهای ملی بتواند در کشور عضو بگیرد و عملاً

تاثیرگذار باشد در مسائل سیاسی. متأسفانه همینطور که الان همه آقایان منصفانه می‌توانند قضاوت کنند در نتیجه این طرز تفکر و این عدم موفقیت در راه تشکیل یک نیروی فراگیر ملی عملاً نیروهای ملی در آن هیچگونه تاثیری در این بازار داغ سیاست ایران ندارند و موضع ضعف به حدی رسیده که اصلاً اسمی از این نیروها وجود ندارد. جبهه ملی میراث جان‌فشانی مردان بزرگی چون دکتر مصدق، فاطمی و خون بهای شهیدان سرافرازی چون داریوش و پروانه فروهر که من تعظیم می‌کنم و احترام می‌گذارم و تشکر می‌کنم از جناب آقای شاه حسینی که اسمی از این شهیدان نهضت ملی ایران بردند و گرنه هیچ آثاری اسمی هیچی در این پلنوم از داریوش و پروانه فروهر نبود.

به هر حال میراث این مردان بزرگ بود و هست که خدای نکرده من می‌خواهم این را بگویم که آیندگان درباره جبهه ملی در مصداق شعر مولوی قضاوت نکنند که :

«مرد میراثی چه داند قدر ما رستمی جان کند و مرجان یافت زال»

امید است در آینده جبهه ملی با گام‌هایی بلند به جایگاه رفیع خود و جایگاهی که باید داشته باشد دست بیابد و این مسیر را هموار کند.

در این هنگام آقای ادیب برومند رئیس جلسه چنین گفتند :

اینکه آقای زندیان گفتند برای فراگیری همه نیروهای ملی اقدامی از طرف جبهه ملی نشده به شهادت سخنرانی آقای دکتر ورجاوند ما چندین بار دعوت کردیم و گفتیم در جبهه ملی به روی همه باز است. اگر کسی به جبهه ملی اقبال می‌کند چه بهتر و اگر نمی‌کند اقلاً هفته‌ای یا پانزده روز یک مرتبه ما یک مجمع همفکری داشته باشیم که در مورد مسائل مهم مملکتی با هم تشریح مساعی فکری بکنیم ولی هر کدام به نحوی از پاسخ این سؤال راجع به این مسئله که اجابت کنند یا نکنند مطالب سردرگمی گفتند که در جلسات بعدی به تدریج از عده آنها کسر شد اولین دعوت هم در منزل بنده بود و بعد در منزل آقای مهندس موحد و نیامدند و عذر صحیحی هم نداشتند. ما که نمی‌توانیم تمام اوقاتمان را صرف این کنیم که بیایید مشترکاً کاری کنیم آقایان نیامدند چه علتی دارد برایمان نامعلوم است. بنابراین قصوری از این بابت جبهه ملی نکرده است.

جبهه ملی جای انحصاری نیست جبهه ملی میراث فخیم ملی است که همه ایرانیان سهمند در اینکه جبهه را به مدارج عالی برسانند و از مصالح ملی که تامین می‌شود برخوردار بشوند.

سخنران بعدی آقای مصباح عضو حزب مردم ایران بود که چنین گفت :

فخیمه بودن و پیشکسوت بودن و صاحب نظر بودن و ارزشمند بودن دوستان جبهه ملی و مقامشان، صلاحیتشان، شهامتشان همه چیز مورد اذعان دوست و دشمن است نکته‌ای که در

اینجا است شاید درصد قابل توجهی از نگاه جبهه ملی را نسبت به مسائل روز مملکت برای اینکه مورد هجوم قرار نگیرند بوسیله بخشی از اصلاح طلبهای درون حاکمیت باید گفته شود. از این زاویه من عرض و پیشنهاد این است که چرا دوستان نمی‌آیند خوب فرزند شما هستم من نه جوان هستم و نه پیر من به عنوان یک میان سال عرض می‌کنم این فرزندان شما یا نگرانند که اگر گرایش پیدا کردند هزار و یک وصله همانطور که جناب شاه حسینی گفتند که در آغاز انقلاب چه گفته شد راجع به جبهه ملی و یا تردیدهایی دارند. چرا؟ چون ملاک و معیارشان همت و غیرت و خدمت ممکنه نباشد. بخشی هم قدرت ممکنه باشد بنابراین استدعای من و پیشنهاد من و در ضمن سؤال من این است که این بخش از حاکمیت که تریبون هم در اختیارش است روزنامه‌های خوبی دارند حرفهایی با ما می‌زنند شاید واقعا به دلیل بی‌اعتقادی و بی‌اعتمادی به بخش اعظم‌شان مسئله من قال و ما قال را ما توجه داریم روزنامه‌هایشان را بخوانید. من با رغبت و با علاقه و با فرصت نگاه می‌کنم خیلی قشنگ همین حرفها را می‌زنند تریبون هم دارند بنابراین از این تریبون باید استفاده شود و بعد با جبهه ملی انشاءالله هر چه فاصله‌هایشان کوتاه‌تر باشد که ما آن هدف نهایی و اصلی‌مان که خدمت به مردم است و آزادی و استقلال، عزت و سربلندی چه در داخل و چه در خارج. ما باید بها بدهیم به آنها باید دعوت کنیم به بازی بگیریم و آن پیشکسوتی و تخصص ما در این مسیر مانع این تماس نشود.

در پاسخ به سؤال و پیشنهاد آقای مصباح آقای دکتر ورجاوند مطالبی به شرح زیر بیان داشت:

من سپاسگزارم از آقای مصباح که این بحث را گشودند. من فکر می‌کنم که شاید مناسبتر این بود که جناب مصباح این سؤال را متوجه عزیزان گرانقدر جریان اصلاح طلبی می‌کردند به دلیل اینکه مشاهده می‌فرمایید که ما واقعا یک مواردی داریم اعتراضهای سنگینی را تحمل می‌کنیم به دلیل اینکه از زمانی که حرکت اصلاح طلبی آغاز شد به دلیل اینکه هیچگاه جبهه ملی در این ذهنیت نبوده است که برای بدست آوردن فرصت لازم منافع ملی را اگر از طریق دیگران عنوان می‌شود تایید نکنیم این یکی از ویژگیهایی است که من فکر می‌کنم که بدون هیچ گفت و شنودی خاص جبهه ملی است یعنی جبهه ملی ذهنیتش، محور توانمندی این سرزمین استقلال این سرزمین یکپارچگی این سرزمین و حرکت در مسیر توسعه و پیشرفت است. بنابراین هر جریان، نیرو و هر شخصیتی که در این زمینه گام بردارد این را جزء وظایف مسلم خودش می‌داند که این کار را بکند اگر فرصت باشد من این را به تفسیر باید بیان کنم. بنابراین ما الان که عرض کردم اعتراضهایی را که داریم تحمل می‌کنیم این است که ما

جریان اصلاح طلبی را با تمامی حسن نیت به دلیل اینکه معتقد بودیم یک شکافی دارد وجود می‌آورد که توان قدرت انحصارطلبان را می‌کاهد و به دلیل آن نکته اساسی‌تر که بضاعت سرزمین‌مان شرایط محیط پیرامونمان شرایط جهانی را مساعد بر این نمی‌دیدیم و هنوز هم نمی‌توانیم برای آینده ببینیم که ایجاد دگرگونی در ایران همراه با یک تنش و رادیکالیزم توأم باشد. بنابراین همیشه امیدواریم که حرکت‌های اصلاح طلبانه بتواند گام‌هایی ملت را به جلو ببرد و اعتقاد هم داریم که این حرکت اصلاح طلبانه گام‌های قابل توجهی توانسته جامعه را به جلو ببرد ولی علیرغم این ما با حمایتی که کردیم امروز مورد اعتراض بخش جوان جامعه‌مان هستیم و با روحیه‌ای خاص تلاش می‌کنیم برایشان توضیح دهیم ولی این مسیر از آن سو بسته است. یعنی از آن سو هم باز به نظر من چون می‌خواهم واقع بین باشم به یک اعتباری به حق بسته است. شما ببینید زمانی که جبهه مشارکت می‌آید در هفته گذشته کنگره‌اش را تشکیل می‌دهد از دوستان نهضت آزادی و آقای مهندس سبحانی دعوت می‌کند. به نظر من به حق از جبهه ملی دعوت نمی‌کند چون هیاهویی را که به دنبال این ماجرا و برخورد را که با جبهه مشارکت شده ملاحظه بفرمایید کافی بود که در آنجا یک شخصیت شناخته شده جبهه ملی در آن مراسم می‌نشست و آنوقت می‌دیدیم که شلیک‌های مسلسل وار تبدیل به شلیک‌هایی به صورت سلاح‌های بسیار سنگین‌تر به سوی جبهه مشارکت می‌شد. بنابراین اگر می‌خواهیم واقعیت‌های جامعه‌مان را درک کنیم باید هم به آنها فرصت دهیم که گام به گام خودشان را به مرحله‌ای برسانند که بتوانند جرات همگام شدن با جبهه ملی مرتد را پیدا کنند و بعد هم به تدریج ما هم با آنها یک همگامی داشته باشیم. اگر روزنامه‌ها را نگاه کنید می‌بینید گام‌هایی را بر می‌دارند. روزنامه یاس، نو، شرق سعی می‌کنند با شماری از چهره‌های جبهه ملی گفت و شنودی داشته باشند ولی شما چه می‌خواهید بکنید. زمانی که کمیسیون امنیت ملی اعلام می‌کند به روزنامه‌ها که مثلاً حسن و حسین اسمشان برای این سه هفته نباید بیاید به ایستنا و ایلنا تلفن می‌کنند که مصاحبه اینها را روی آنتن ندهید. بنابراین ما آماده‌ایم که در خدمت همه جریان‌های سیاسی که در مسیر ملی گام برمی‌دارند یاری‌رسان باشیم. حاضریم نردبان این باشیم که کسی می‌خواهد سریعتر این ملت را از بحران نجات دهد هیچگاه بر آن نیستیم که سریعتر خودمان را به سر بام برسانیم.

سخنران بعدی نماینده کرمانشاه آقای سلطانی چنین گفت:

دوست دارم پاسخ جمع را بشنوم. یکی اینکه همه ما بالاخره یک بار قانون اساسی خودمان را خوانده‌ایم. به نظر آقایان می‌شود در این قانون اساسی کاری انجام داد یا نه؟ یعنی می‌خواهم این سؤال را مطرح کنم. جبهه ملی اصلاح طلب به چه معناست؟ اگر اصلاح طلب است اگرما

می‌خواهیم حرکتی بکنیم آیا در چهارچوب این قانون اساسی که اگر قانون اساسی ۵۸ بود باز یک حرفی بود به نظر شما در قانون اساسی ۶۸ می‌توان حرکتی کرد یا نه؟ بنده عرض این است که شما مقایسه بفرمایید قانون اساسی مشروطیت را با این قانون اساسی که داریم کدام برجسته‌تر و بهتر بود؟ خوب مسلماً قانون مشروطیت اما در رژیم سابق حرفمان این بود که این قانون اساسی که داریم اجرا نمی‌شود. شاه سلطنت نمی‌کند وارد حکومت می‌شود دخالت در انتخابات مجلس و تعیین وزرا می‌کند. ما می‌گفتیم قانون اساسی دارد نقض می‌شود. خود قانون اساسی را قبول داشتیم ولی حالا فرض می‌گیریم که با یک تفسیر خوبی که شورای نگهبان می‌کند به نظر آقایان می‌توان در این قانون اساسی حرکتی کرد؟ یعنی شما حالا این اصل هم از اصول قانون اساسی دارید که تفسیر اصول قانون اساسی با شورای نگهبان است حالا فرض می‌گیریم که اصلاً این اصل را نگذاشتند یک تفسیر کاملاً حقوقی نه جهت‌گیری سیاسی، هر تفسیری هم از اصول قانون اساسی بشود به نظر من در چارچوب این قانون اساسی مانمی‌توانیم راه به سوی آینده ببریم. خوب راه اصلاح این قانون اساسی هم متأسفانه بسته است آن شخص و یا نهادی که این اختیار را دارد که دستور بازنگری و تغییر قانون اساسی را بدهد. اگر اعتقاد به اصلاحات در جامعه داشت و تغییر بعضی رویه‌ها، خوب از سال ۷۶ که آقای خاتمی آمد اینها سر یک سفره گروهی که الان قدرت اصلی را در اختیار دارد به اسم جناح راست با جناح چپ سفره را به هم نمی‌زند. حالا یکسری تغییرات و اصلاحات انجام می‌دهد که اسلام را تثبیت و پایدار کند. این اعتقاد را بازداشتند. ولی نگذاشتند آنها کارشان را انجام دهند. شما نگاه کنید وقتی حداقل تغییراتی را در رویه سیاسی نمی‌دهند در رویه نه در قانون اساسی در آن رژیم و آن رویه‌هایی که از سابق بود خلاف قانون اساسی یا تفسیر غلط قانون اساسی آن رویه‌ها را ترک نمی‌کنند. شما انتظار دارید که وزرای ملت و گروه‌های سیاسی به نمایندگی از ملت پاسخ دهند و خودشان بیایند قانون اساسی را تغییر دهند اینها قدرت را در اختیار دارند. گروه، حزب، باند هر چه که می‌خواهید اسمش را بگذارید. قدرت نظامی رسانه‌ای مطبوعاتی صدا و سیما و پول و بودجه و امکانات دارد و مهمتر از همه دو میلیون جمعیت با ایمان و به درست و غلطش کاری ندارم. من نمی‌گویم ۷ میلیون رای دارند من می‌گویم سه میلیون ما در مقابل یک رقیب قوی قرار داریم به راحتی هم صحنه را ترک نمی‌کنند. پس اگر می‌خواهیم تغییراتی انجام شود و خودمان را فریب ندهیم این مبارزه جدی است و مبارزه جدی هم هزینه می‌خواهد.

آقای دکتر محسن فرشاد حقوقدان سخنران بعدی بودند. ایشان گفتند :

قانون اساسی ما یکی از ارتجاعی‌ترین قانون اساسی‌های جهان است. این قانون از جهاتی عقب افتاده است. نهادهای سیاسی ما در این قانون باید از پدیده دموکراسی برخوردار باشد و نیست. در قانون اساسی مسئولیت ریاست جمهوری و سایر نهادها عنوان شده است ولی مسئولیت ولی فقیه معلوم نیست و در این مورد فقط اختیارات عنوان شده است. در بعضی موارد تناقض به چشم می‌خورد. شورای نگهبان اهرمی شده است برای قوانین. این امر قانون اساسی را دچار تزلزل می‌کند. یک مجلس شورا باید باشد و یک مجلس سنا هرگاه ریاست جمهور خطایی کند دیوان کشور باید رسیدگی و یا عزلش کند ما دادگاه قانون اساسی نداریم همه جای دنیا دارند. مجمع تشخیص مصلحت چه می‌کند؟ یک عده متخصص قانون اساسی باید جمع شوند و یک قانون اساسی روز و مبتنی بر دموکراسی تنظیم شود که جواب مردم را بتواند بدهد.

آقای حسن قدیانی آخرین سخنران جلسه با نام خدا سخنان خود را آغاز کردند و از برترین نعمت‌های خدا یعنی اندیشیدن یاد کردند. ایشان افزودند کسانی که صحبت کردند یا درباره خودشان یا درباره گذشته سخن گفتند ولی هیچ‌کدام از آینده صحبت نکردند. از انتقاداتی که از حاکمیت می‌کنند این است که کارش قانون مدار نیست من تصور می‌کنم عملکرد جبهه ملی طوری است که قانون مدار نیست. مطلب دیگر از دید من آنست که مسابقه جبهه ملی نباید مثل مسابقه دوی صد متر باشد باید مسابقه دوی امدادی باشد باید پرچم را نفر قبلی به دست دیگری بسپارد باید افراد هدف و آرمان جبهه ملی را به دیگران بدهند و کار فردی و تک‌روی نکنند.

پس از پایان آخرین سخنرانی آقای ادیب برومند رئیس جلسه پلنوم اعلام داشتند که اکنون زمان انتخاب سه کمیسیون برای بازنگری اساسنامه جبهه ملی و بازنگری منشور جبهه ملی و کمیسیون تدوین بیانیه سیاسی پلنوم فرارسیده است افراد داوطلب برای هر یک از سه کمیسیون ثبت نام نمایند.

برای کمیسیون بازنگری اساسنامه به ترتیب ثبت نام روی تابلوسفید آقایان دکتر عباسعلی صحافیان، غلامرضا رحیم، ادیب برومند، مهندس نظام الدین موحد، مهندس حبیب یکتا، دکتر محسن فرشاد، دکتر سید حسین موسویان، دکتر مهدی مؤیدزاده، مهندس کورش زعیم و حسین راضی داوطلب گردیدند که پس از انجام رای گیری کتبی و مخفی آقایان زیر به ترتیب احراز آراء برای کمیسیون بازنگری انتخاب شدند:

- ۱- آقای ادیب برومند ۵۰ رای
- ۲- آقای دکتر سید حسین موسویان ۴۹ رای
- ۳- آقای دکتر محسن فرشاد ۴۹ رای
- ۴- مهندس نظام الدین موحد ۴۲ رای
- ۵- مهندس کورش زعیم ۳۹ رای

برای کمیسیون بازنگری منشور به ترتیب ثبت نام روی تابلو سفید آقایان مهندس مرتضی بدیعی، هرمز ممیزی، منوچهر ملک قاسمی، دکتر داود هرمیداس باوند، دکتر پرویز ورجاوند، دکتر جهانشاه برومند و حسین راضی داوطلب گردیدند که پس از انجام رای گیری کتبی و مخفی آقایان زیر به ترتیب اکثریت آراء برای کمیسیون بازنگری منشور برگزیده شدند :

- ۱- دکتر داود هرمیداس باوند ۷۱ رای
- ۲- دکتر پرویز ورجاوند ۶۷ رای
- ۳- هرمز ممیزی ۵۵ رای
- ۴- منوچهر ملک قاسمی ۵۰ رای
- ۵- دکتر جهانشاه برومند ۳۶ رای

برای کمیسیون تدوین بیانیه سیاسی پلنوم به ترتیب ثبت نام روی تابلو سفید آقایان ادیب برومند، دکتر پرویز ورجاوند، دکتر مهدی مؤیدزاده، مهندس نظام الدین موحد، دکتر داود هرمیداس باوند، عیسی خان حاتمی و دکتر محسن فرشاد ثبت نام نمودند که پس از رای گیری کتبی و مخفی و شمارش آراء آقایان زیر به ترتیب احراز آراء انتخاب گردیدند.

- ۱- دکتر پرویز ورجاوند ۶۷ رای
- ۲- ادیب برومند ۶۴ رای
- ۳- دکتر داود هرمیداس باوند ۶۱ رای
- ۴- مهندس نظام الدین موحد ۵۲ رای
- ۵- دکتر محسن فرشاد ۵۰ رای

در آخرین بخش برنامه پلنوم انتخابات برای عضویت افراد در شورای مرکزی صورت پذیرفت قرار شد داوطلبان عضویت شورای مرکزی سوابق سیاسی خود را بطور خلاصه بیان نموده و خود را معرفی نمایند معرفی اعضاء قبلی شورای مرکزی ضروری اعلام نشد و قرار شد فقط اسامی اعضاء قبلی شورا روی تابلو سفید درج گردد تنها داوطلبان جدید عضویت در شورا که

۲۰ نفر بودند هر یک فعالیت گذشته خود را در جبهه ملی بطور خلاصه بیان کردند این ۲۰ نفر داوطلب جدید عبارت بودند از: ۱- خانم پریچهر مبشری ۲- خانم فریبا درودی ۳- عیسی‌خان حاتمی ۴- مهندس اشکان رضوی ۵- اصغر فنی‌پور ۶- عباس همایونی ۷- دکتر علی‌اکبر نقی‌پور ۸- ابوالفضل نیماوری ۹- ناصر مغازه‌ای ۱۰- دکتر اصغر مینو ۱۱- دکتر جهان‌شاه برومند ۱۲- دکتر محسن فرشاد ۱۳- مهندس هوشنگ خیراندیش ۱۴- جمال درودی ۱۵- علی شجاع ۱۶- حسن قدیانی ۱۷- فرهاد بیشه‌ای ۱۸- مهندس حسین عزت‌زاده ۱۹- داریوش نیماوری ۲۰- مهندس حبیب یکتا

سرانجام رای گیری کتبی و مخفی برای انتخاب ۳۵ نفر اعضاء شورای مرکزی جبهه ملی ایران بعمل آمد و شمارش آراء اخذ شده بلافاصله آغاز گردید.

جلسه پلنوم الهیار صالح پلنوم جبهه ملی ایران در دوم آبانماه ۸۲ با خواندن دست جمعی سرود ای ایران در ساعت ۱۸ به پایان رسید. اعضاء برگزیده شورای مرکزی به ترتیب کسب آراء بشرح زیر می‌باشند و چون در ردیف سی و پنجم دو نفر با آراء مساوی قرار گرفتند قرار شد هر دو نفر در شورای مرکزی حضور یابند.

۱- دکتر داود هرمیداس باوند	۷۴ رای
۲- مهندس نظام الدین موحد	۶۷ رای
۳- عبدالعلی ادیب برومند	۶۴ رای
۴- دکتر علی رشیدی	۶۳ رای
۵- دکتر مه‌لقا اردلان	۶۳ رای
۶- دکتر پرویز ورجاوند	۶۲ رای
۷- حسین شاه حسینی	۶۲ رای
۸- دکتر خسرو سعیدی	۶۰ رای
۹- پریچهر مبشری	۵۹ رای
۱۰- مهندس عباس امیرانتظام	۵۹ رای
۱۱- دکتر سید حسین موسویان	۵۸ رای
۱۲- هرمز ممیزی	۵۶ رای
۱۳- ناصر فرید	۵۶ رای
۱۴- بانو فرشید افشار	۵۶ رای
۱۵- دکتر باقر قدیری اصلی	۵۳ رای

۵۲ رای	۱۶- منوچهر ملک قاسمی
۴۹ رای	۱۷- مهندس مرتضی بدیعی
۴۸ رای	۱۸- دکتر محسن فرشاد
۴۸ رای	۱۹- جمال درودی
۴۷ رای	۲۰- غلامرضا رحیم
۴۷ رای	۲۱- حسین راضی
۴۳ رای	۲۲- حسن خرمشاهی
۴۳ رای	۲۳- دکتر مهدی مؤیدزاده
۴۲ رای	۲۴- دکتر علی اکبر نقی پور
۴۱ رای	۲۵- دکتر پرویز دبیری
۴۱ رای	۲۶- حسن قدیانی
۴۱ رای	۲۷- رامین ناصح
۴۱ رای	۲۸- دکتر عباسعلی صحافیان
۴۰ رای	۲۹- حسن شهیدی
۳۷ رای	۳۰- اصغر فنی پور
۳۶ رای	۳۱- دکتر جهانشاه برومند
۳۶ رای	۳۲- عیسی خان حاتمی
۳۶ رای	۳۳- مهندس اسماعیل حاج قاسمعلی
۳۵ رای	۳۴- مهندس کورش زعیم
۳۴ رای	۳۵- ابوالفضل نیماوری
۳۴ رای	۳۶- مهندس حسین عزت زاده

توضیح ضروری

از خوانندگان محترم که احتمالاً در برخی موارد از گزارش پلنوم متوجه بعضی کاستی‌های انشائی و ادبی در برخی جملات گردیده‌اند پوزش می‌طلبیم و توضیحاً عرض میکنیم که چون تمام سخنرانی‌ها و مطالب ایراد شده در پلنوم بصورت شفاهی و زنده صورت گرفته و همه آنها عیناً از روی نوار پیاده شده است، این کاستی‌های انشائی دیده می‌شود.

از شما خوانندگان گرامی درخواست میکنم این ایرادات ادبی را با توجه به شکل تهیه گزارش قابل قبول تلقی فرمائید.

کمیته انتشارات و تبلیغات هیئت اجرائیه جبهه ملی ایران